



فهرست ...

فرهنگی

۲..... دانشگاه در هزاره ی سوم

دانشگاه ما

۳..... اعتراض دانشجویان دانشگاه

به آیین نامه سنوات

سلامت

۴..... تحول نظام سلامت در حوزه بهداشت

ادبیات

۵..... زنگوله‌ی درختِ مَو

سیاست

۷و۶..... سقوط جاویدان

فناوری

۸..... همه چیز در مورد شارژ سریع

دانشگاه ما

۹ تعطیلات برایمان گران تمام شد!

۹ششمین دوره ضیافت اندیشه استادان

۱۱و۱۰..... پای صحبت های افتخار

آفرینان تربیت مدرس

۱۲..... ذره بین

سیر آغاز

سیامک شادکام

مردم می بینند

این روزها، در همه‌ی محافل رسمی و غیررسمی کشور، سخن از فیش‌های حقوقی همه جا زبان زد است. حالا به آن هم موضوع شهرداری اضافه شده است. هر دو جناح یکدیگر را متهم می‌کنند و سند ارائه می‌دهند. فارغ از اینکه در این میان مردم نظاره‌گر این مسائل هستند و آنچه قابل جبران نیست و سخت می‌توان جبران کرد اعتماد مردم به حاکمان و نظام می‌باشد. بهتر است به دور از هر گونه

دعواهای ژورنالیستی و سیاسی و هوچی‌گری و سرخط کردن رسانه‌های همسو، مسئولین امر به طور شفاف با آن برخورد کنند. سازمان بازرسی، دیوان محاسبات، وزارت اطلاعات و دیگر نهادهای مرتبط باید به موضوع وارد شده و نتیجه را به مردم اطلاع دهند. در این بین رسانه‌هایی هم هستند که نان خود را در تهمت، حاشیه‌سازی، تعویض جناح بازی و ضد حمله می‌بینند. این رسانه‌ها باید بدانند اخلاق اسلامی و حرفه‌ای حکم می‌کند تا موضوعی به طور کامل ثابت نشده از علنی کردن آن بپرهیزند. هنوز موضوع فیش‌های حقوقی که اسناد آن رو شد و دولت مسئله را پذیرفت، تمام نشده و دولت آن پرونده را به سرانجام نرسانید، و برخورد قاطعی انجام نشده که موضوعات جدید رو می‌شود. گر چه هنوز ثابت نشده اما حاشیه سازی‌های رسانه‌ها در این باره ادامه دارد و سعی در انحراف افکار عمومی از فیش‌های نجومی دارند. بحث ما بر سر این دولت و آن دولت، اصلاح طلب و اصول گرا نیست بحث بر سر اعتماد مردم است، مردمی که به پای این انقلاب همچون کوه ایستاده‌اند و فقط نظاره‌گر این مسائل هستند.



بیانات در دیدار شرکت کنندگان در نهمین همایش ملی «نخبگان فردا» نسل جوان دوره‌ی ما یعنی شماها، می‌توانید این افتخار را برای خودتان به ثبت برسانید که شما نسل جوانی بودید که توانستید کشور را به مراحل بزرگ پیشرفت علمی برسانید؛ این افتخار، خیلی افتخار بزرگی است. نسل جوان امروز، می‌تواند این افتخار را برای خودش جلب بکند که به جای اینکه به شکل تبعی دنباله‌ی دیگران باشد، عزتمندانه توانسته پایه‌های استقلال علمی و پیشرفت علمی را در این کشور محکم کند و کار کند و تلاش کند. این افتخار می‌تواند برای نسل جوان دوره‌ی ما و دوره‌های اولیه‌ی انقلاب باشد.

۹۴/۷/۲۲



مهديه محمدتقی زاده



زهرا کاشانی خطیب



علی پورجعفر

پای صحبت‌های افتخار آفرینان تربیت مدرس

صفحات ۱۰ و ۱۱



ششمین دوره ضیافت اندیشه استادان

صفحه ۹



سقوط جاویدان

صفحات ۷و۶



اعتراض دانشجویان دانشگاه به آیین نامه سنوات

صفحه ۳



دانشگاه تربیت مدرس در جمع برترین‌های کشوری

در رتبه بندی لایدن سال ۲۰۱۶، ۲۹ دانشگاه برتر بین المللی در حوزه علوم زندگی و زمین در ۶ شاخص مورد ارزیابی قرار گرفتند که در این میان دانشگاه تربیت مدرس رتبه ۳۰۶ جهان و در میان ۱۱ دانشگاه ایرانی برتر حاضر در این رتبه بندی، پس از دانشگاه تهران در جایگاه دوم قرار گرفت. داده‌های رتبه بندی لایدن تماماً از پایگاه استنادی تامسون رویترز وب آو ساینس (آی.اس.آی) استخراج می‌شود، اما فقط مجلات هسته در این پایگاه مورد استفاده قرار گرفته که شامل ۷۵ درصد از مجلات برتر آی.اس.آی می‌شود. کمیت تولید علم بر اساس درصد، ۱۰ درصد و ۵۰ درصد برتر با توجه به تعداد استنادهای دریافتی مدارک یا همان اثرگذاری آنها انتخاب می‌شوند. بدین ترتیب مقالات برحسب تعداد استنادهای دریافتی مرتب سازی و سپس انتخاب می‌شوند. گفتنی است، حوزه علوم زندگی و زمین ۳۹ رشته مختلف را شامل می‌شود که عمدتاً شامل؛ علوم کشاورزی، گیاهی، محیط، علوم و فناوری تغذیه، شیلات، جنگلداری، زمین‌شناسی، باغبانی، میکروبیولوژی، کانی‌شناسی، قارچ‌شناسی، اقیانوس‌شناسی، جانورشناسی، دامپزشکی و منابع آب می‌شود.



حضور در المپیاد دانشجویی سراسر کشور از جمله فعالیت‌های مرکز تربیت بدنی در راستای ارتقاء سطح سلامت و نشاط دانشجویان می‌باشد. برگزاری اردوهای متعدد گلگشت و کوهنوردی و برپایی اردوهای مختص دانشجویان غیرایرانی از دیگر اقدامات این مرکز است. اجرای طرح سلامت برای کلیه دانشجویان نیز از جمله فعالیت‌هایی انجام شده مرکز تربیت بدنی می‌باشد. معاون دانشجویی دانشگاه در پایان ضمن اشاره به ارائه‌ی وام ودیعه مسکن ۲۲ و نیم میلیون تومانی به دانشجویان متاهل گفت: صنعتی کردن آسپزشخانه پردیس مرکزی دانشگاه، کلنگ زنی ایجاد سالن تربیت بدنی برای خواهران و راه اندازی استخر در پردیس مرکزی دانشگاه در ماه آینده نیز از دیگر اقدامات انجام شده این معاونت در یک سال اخیر می‌باشد.

فعالیت های حوزه معاونت دانشجویی

دکتر اصلاحچی معاون دانشجویی دانشگاه در گفتگویی به تشریح شاخص‌ترین فعالیت‌های حوزه تحت مدیریت خود در یکسال گذشته پرداخت که ضمن باز پس‌دهی چهار خوابگاه استیجاری پرورش، نور، دلجویه و جلالوند، خوابگاه دخترانه جدیدی با ظرفیت ۴۴۰ نفر در پردیس مرکزی دانشگاه ایجاد شد. همچنین پروژه خوابگاه شهید احمدی روشن در پردیس کشاورزی تکمیل گردید. در ادامه افزود: ضمن اجرای طرح سنجش سلامت برای کلیه دانشجویان در مرکز بهداشت و مشاوره و خدماتی که در زمینه حفظ سلامت توسط کادر مجرب این مرکز ارائه می‌شد و نیز کلینیک‌های تخصصی متعددی در مرکز بهداشت و مشاوره راه اندازی گردید. دکتر اصلاحچی در تشریح عملکرد مرکز تربیت بدنی دانشگاه اظهار داشت: برگزاری مسابقات ورزشی منطقه‌ای دانشجویان، لیگ فوتسال و

دانشگاه در هزاره سوم

فاطمه رحمانی

دانشجوی دکتری مدیریت دولتی دانشگاه تربیت مدرس



یا تسری بخشی، رویکرد اکولوژیکی یا بوم شناختی، رویکرد هویتی و... حاصل شده است. دانشگاه‌های قرن ۲۱ دریافته‌اند که باید خود را با ویژگی‌های سازمان قرن ۲۱ هماهنگ نمایند از جمله آن که: - به سیستم‌های باز مبدل شوند، یعنی دائماً با محیط خود در تعامل باشند؛ - به علت محیط پر تلاطم و غیر قابل کنترل هم راستایی با شرایط متغیر محیطی را فراموش نکنند؛

- صحت سازمانی خود را بر اساس معیارهای سیستمی ارزیابی نمایند؛ - با تأکید بر فن‌آوری، شرایط بازار، شرایط سیاسی، اقتصادی و جو فرهنگی - اجتماعی در محیط‌های متفاوت به حیات خویش ادامه دهند؛ - به استقبال تغییر بروند؛ - ایده را سریعتر به عمل تبدیل کنند؛ - از اطلاعات به عنوان یک عامل و منبع مهم سازمانی استفاده کنند؛ - نیازمندیهای خود را در قالب دانش جدید، فرهنگ جدید و عقاید جدید ترسیم نمایند^۱ وظایف دانشگاه قرن ۲۱ را می‌توان در ابعاد زیر تعریف کرد:

۱. آموزش: تربیت افراد ماهری که در تعامل با جامعه بوده و نسبت به تمام مسائل مبتلا به جامعه خود حساسیت نشان دهند از طریق آموزش‌های به روز و دقیق میسر است. دانشگاه‌های قرن ۲۱ در پی آن هستند که از طریق تغییر در شیوه‌های آموزش سنتی و تأکید بر رویکردهای نوین آموزش چون آموزش مادام‌العمر و آموزش الکترونیکی به این مهم دسترسی پیدا کنند. بنابراین آموزش‌های ارائه شده در دانشگاه‌های قرن حاضر از نظر نوع آموزش‌ها و هم از نظر نحوه ارائه‌ی آموزش با دانشگاه‌های گذشته متفاوت خواهد بود.



جامعه در این شاخه‌هاست. ۶. ایجادکننده فضای آزاد: به منظور ایجاد فضایی که در آن عقاید به راحتی بیان شده و مورد نقد و انتقاد قرار گیرد، دانشگاه‌های قرن ۲۱ موظف به ارائه‌ی آموزش‌هایی هستند که تعامل موثر، روحیه چالشگری، پرسشگری و نقد علمی و... را تقویت کرده، فضایی باز و آزاد بوجود آورند. نتیجه آنکه دنیای امروز دوران نواندیشی و آینده نگری است و بیش از این نمی‌توان در دام گذشته اسیر بود. امروزه نقش دانشگاه‌ها در اغلب کشورهای جهان متحول شده و رسالت دانشگاه به تربیت نیروی انسانی متخصص و ماهر محدود نمی‌شود بلکه دانشگاه‌ها امید جوامع محسوب شده و سازنده‌ترین نقش را در تحول و تغییر جامعه دارا هستند. جامعه یک نظام است و دانشگاه از جمله مؤلفه‌های آن است، بنابراین نمی‌تواند و نباید خود را از فرهنگ جامعه دور و بیگانه نگه دارد. دانشگاه مؤلفه پویای جامعه است که در عین تأثیر بودن می‌تواند و موظف است هدایت آگاهانه و هدفمند آن را بر عهده گیرد. دانشگاه قرن ۲۱ ناگزیر است فرزند زمان خویش باشد. یعنی ناگزیر است گذشته را بخواند، اما در گذشته نماند که توقف در گذشته مترادف مرگ علمی است. دانشگاه قرن ۲۱ پالایشگاه علم است و اهداف آن عبارتند از:

- تربیت تفکر انتقادی؛
- ایجاد توانایی خلاقیت؛
- ایجاد توانایی استدلال منطقی؛
- ایجاد قدرت تجزیه و تحلیل، سنجش و نقد علمی؛
- آموزش خودآموزی و خودراهبری؛
- گسترش میدان معرفت به جای حافظه پروری؛
- جهانی‌اندیشیدن و منطقه‌ای عمل کردن؛
- تمرکز بر یادگیری بینشی به جای یادگیری مکانیکی؛
- برخورداری از سعه‌ی صبر در برخورد با عقاید مخالف^۵

منابع: شاه طالبی، بدری، ۱۳۸۷، (شناسایی ویژگی‌های مهم دانشگاه‌های هزاره سوم به منظور ارایه‌ی چارچوبی مناسب برای دانشگاه‌های ایران در راستای حرکت از دانشگاه‌های سنتی به دانشگاه‌های نوین)، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بروجرد

ایران زاده، سلیمان، ۱۳۸۱، (مدیریت تطبیقی در چارچوب پارادایم‌های جدید)، تبریز، مرکز آموزش مدیریت دولتی تبریز، چاپ اول



تربیت افراد ماهری که در تعامل با جامعه بوده و نسبت به تمام مسائل مبتلا به جامعه خود حساسیت نشان دهند از طریق آموزش‌های به روز و دقیق میسر است. دانشگاه‌های قرن ۲۱ در پی آن هستند که از طریق تغییر در شیوه‌های آموزش سنتی و تأکید بر رویکردهای نوین آموزش چون آموزش مادام‌العمر و آموزش الکترونیکی به این مهم دسترسی پیدا کنند. بنابراین آموزش‌های ارائه شده در دانشگاه‌های قرن حاضر از نظر نوع آموزش‌ها و هم از نظر نحوه ارائه‌ی آموزش با دانشگاه‌های گذشته متفاوت خواهد بود.

اعتراض دانشجویان دانشگاه به آیین نامه سنوات



و فراهم کردن فضایی کاملاً آموزشی فرهنگی و پژوهشی دانشجویان ترم پنجم کارشناسی ارشد و ترم نهم دکترا مشمول قوانین سنواتی ندادند و جریمه‌های سنواتی را از ترم ششم کارشناسی ارشد و ترم دهم دکترا اعمال کردند. زیرا تنها دانشجویان در به تعویق افتادن دفاع از رساله پژوهشی مقصر نیستند بلکه عواملی به ویژه کمبود منابع کتابخانه‌ای آزمایشگاهی و فراهم نبودن امکانات لازم برای دفاع لازم از رساله و پایان نامه نیز در این امر دخیل اند.

این دانشجویان تاکید کردند: ما بدون گرایش به هیچ جناح سیاسی گرد هم آمدیم تا مشکل قوانین سنواتی رفع شود. و تا به خواسته خویش نرسیم در چهارچوب تجمعات دانشجویی به اعتراض خود ادامه می‌دهیم و اتحاد خود را حفظ می‌کنیم. چشمه آمادگی خود را جهت انعکاس اخبار تکمیلی این درخواست و اعتراض و نیز نظرات مسئولان و کارشناسان امر اعلام می‌دارد.

لازم به یادآوری است که حجت الاسلام دکتر فلاح رفیع مسئول نهاد نمایندگی مقام رهبری در دانشگاه نیز در روز اول اعتراض دانشجویی با حضور در بین معترضین ضمن شنیدن دغدغه‌ها و مشکلات دانشجویان اظهار امیدواری کردند با طرح و انتقال درخواست دانشجویان به رئیس و مدیران ذیربط، مشکلات و مطالبات آنها به نحو شایسته حل و فصل گردد.

و این دانشجویان در بیانیه‌ای اعلام کردند: تاکیدات همیشگی مسئولان جمهوری اسلامی بر اهمیت و نقش دانشگاه و دانشگاهیان موجب شده تا تحصیل در دانشگاه یکی از اهداف مهم جوانان باشد از این رو با توجه به جایگاه و اهمیت ویژه و انکارناپذیر دانشگاه در رشد و شکوفایی و اعتلای نظام جمهوری اسلامی، پیشرفت و بالندگی کشور و تامین رفاه آسایش مردم ضروری است و این نهاد به صورت همه جانبه در موقعیت و توانمندی مناسب با این جایگاه قرار بگیرد.

در این بیانیه آمده است: پیرو اجرای بی‌سابقه و شتابزده آیین نامه سنواتی در دانشگاه تربیت مدرس و فشاری از جریمه‌های مالی ما دانشجویان تحصیلات تکمیلی گرد هم آمده‌ایم و تا اعتراض خود را به این مسئله بیان کنیم و از حضور رئیس و معاون دانشگاه تربیت مدرس درخواست داریم در راستای پیشرفت‌های علمی دانشجویان گام بردارند.

این دانشجویان اعلام کردند ما خواهان تزیین حقوق مردم و بیت المال نیستیم، ما وابسته به هیچ جناح سیاسی و یا حزب خاصی نیستیم و از مسئولان محترم دانشگاه درخواست کاری غیرآیین نامه‌ی و خارج از چهارچوب نداریم و فقط خواهان حقوق از دست رفته خود هستیم. تجمع کنندگان مطرح کردند که ما تقاضا داریم برای رفع مشکلات مالی دانشجویان در راستای پیشبرد اهداف عالی آموزشی و پژوهشی دانشگاه‌ها و رفاه حال دانشجویان

تمام می‌شود کاش وضع حداقلی جامعه مخاطب در نظر گرفته شود.

به گفته یکی دیگر از دانشجویان گروه علوم پزشکی؛ باید ساعت‌ها بروم در بیمارستان‌ها بنشینم و بیماران را التماس کنم تا بیایند و بطور رایگان مورد آزمایش و بررسی موضوع قرار بگیرند حتی کرایه آژانس آنها را برای آمدن به دانشگاه می‌پردازم ولی الان بیش از دو ترم است که باید چهل بیمار را بررسی کنم کمای اینکه که هنوز چهل بیمار جور نشده بررسی همان تعداد مورد هم کارها را به موقع انجام نمی‌دهند سر وقت نمی‌آیند و واقعا برای ما مشکل سنوات را پیش آورده‌اند

دانشجوی دیگری در این باره گفت: دانشگاه تربیت مدرس با تصویب آیین نامه سنوات علاوه بر فشار مالی و روانی سنگینی که به قشر دانشجو تحمیل می‌کند به پیکره علمی جامعه هم ضربه می‌زند چون دانشجو رو وادار می‌کند که به جای انجام کار علمی و دستاوردهای ممتاز تنها به فکر فارغ التحصیلی برای رهایی از فشارهای دانشگاه باشد.

دانشجوی دیگری نیز با بیان اینکه به نظر بنده نباید دوره تحصیلات تکمیلی را تنها در قالب کمیت نگاه کرد افزود: آنچه که بعنوان ما می‌یصلد یک دانشجو باقی می‌ماند کیفیت تحصیل است در نتیجه محدود کردن دانشجو به یک دوره زمانی برای تحصیل و هم چنین تحت فشار گذاشتن دانشجو بعد از این دوره محدود کار درستی نمی‌باشد و این آیین نامه باید لغو شود تا دانشجو مدت زمان بیشتری در دانشگاه فعالیت داشته باشد.

اعتراض دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس به آیین نامه سنوات به تجمع ختم نشد

یکشنبه ۱۴ شهریور ماه دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس در اعتراض به آیین نامه سنوات به صورت خودجوش و مستقل

از شوراهای صنفی مقابل دفتر رئیس دانشگاه تجمع کردند و خواستار پاسخگویی مسئولان دانشگاه شدند. براساس این آیین نامه دانشجویان کارشناسی ارشد از ترم پنج و دانشجویان دکترا از ترم ۹ می‌بایست هزینه‌ای اضافه بر هزینه‌ای که در ترم پرداخت می‌کنند (مانند دو برابر شدن هزینه غذا، خوابگاه و...) به دانشگاه بپردازند، این آیین نامه پیش تر در برخی از دانشگاه‌ها لغو شده بود. چشمه با توجه به رسالت خود به منظور اطلاع رسانی مسائل مرتبط با دانشگاهیان دانشگاه تربیت مدرس گزارشی از این تجمع را ارائه می‌کند. دانشجویان معتقد هستند که در برخی از رشته‌ها اتمام دوره تحصیلی در مدت زمان مشخص شده در اختیار دانشجو نیست و دانشجو علیرغم میل باطنی خود نمی‌تواند در مدت زمان مشخص شده دوره تحصیلی خود را به پایان برساند. از این رو این دانشجویان به صورت خودجوش تجمعی در مقابل ساختمان مرکزی دانشگاه داشتند که بازتاب‌های فراوانی هم در خبرگزاری‌ها و سایت‌های خبری داشته است. دانشجویان معترض معتقدند از آنجا که دانشگاه تربیت مدرس، دانشگاه تحصیلات تکمیلی است؛ تمامی دانشجویان در دوره دکترا و کارشناسی ارشد تحصیل می‌کنند و اکثریت آنها نمی‌توانند در دوره‌ای که پیش‌بینی شده تحصیلات خود را به پایان برسانند از این رو دانشجویان به دلایل مختلف خواستار لغو این آیین نامه هستند.

یکی از دانشجویان در گفتگو با چشمه بیان می‌کند که ما زمین شناس‌ها گاهی مناطقی را مورد مطالعه قرار می‌دهیم که بعلاوه سردی هوا فقط تابستان‌ها می‌توانیم برای نمونه گیری برویم ولی وقتی برای رزرو ماشین و رفتن به منطقه به امور مالی دانشگاه می‌رویم از آنجایی که همه زمان‌های تابستان برای نوبت گیری پر است عملاً باید یکسال دیگر صبر کنیم و برای تابستان سال بعد نوبت بگیریم یا برای فرستادن نمونه‌ها و تهیه انواع آنالیزهایی که در ایران دستگاه‌های آن موجود نیست حداقل شش ماه زمان نیاز داریم که خود مستلزم دو ترم است و ترمی که ما باید تحلیل داده‌ها را روی کاغذ پیوریم به ترمی جداگانه نیاز دارد و عملاً به سمت

چرا این سیستم‌های خنک کننده رو تیرماه سرویس نکردن و متأسفانه به این تعطیلات خورد و معلق موند؛ یعنی اوضاع طوری آسفناک شده بود که اگر میخواستی کباب شی باید می‌رفتی آزمایشگاه!

این که مرداد تموم شد با خودم میگم ای کاش لااقل از همون اول اطلاع می‌دادن که تعطیلات دانشگاه یک ماهه‌ست و نه دو هفته، تا دانشجوی بیچاره برنامه‌ریزی می‌کرد و مدتی رو هم در خدمت خانواده می‌بود.

هر کسی با توجه به رشته‌اش و نوع ارتباط کاری‌اش با سیستم اداری، به به شکلی این یک ماه پروژه‌هاش به در بسته خورده بود. به سِری از دانشجو‌ها که استادشون نبود، به سِری کلاً دانشکده‌شون معلق بود، به سِری استادشون بود ولی پروپوزالشون تصویب نشده بود و حق ورود به دانشکده رو نداشتن؛ امثال ما شیمیست‌ها هم که همون دو هفته‌ای اول تمامی حلال‌ها و مواد آزمایشگاهی‌ای که از انبار گرفته بودیم تموم شد و دستمون موند تو پوست گردو.

انجام بدیم. خلاصه... هر کسی با توجه به رشته‌اش و نوع ارتباط کاری‌اش با سیستم اداری، به به شکلی این یک ماه پروژه‌هاش به در بسته خورده بود. به سِری از دانشجو‌ها که استادشون نبود، به سِری کلاً دانشکده‌شون معلق بود، به سِری استادشون بود ولی پروپوزالشون تصویب نشده بود و حق ورود به دانشکده رو نداشتن؛ امثال ما شیمیست‌ها هم که همون دو هفته‌ای اول تمامی حلال‌ها و مواد آزمایشگاهی‌ای که از انبار گرفته بودیم تموم شد و دستمون موند تو پوست گردو.

دستگاه‌های آنالیز دانشکده‌ها هم چون آپراتوراش نبود، تعطیل بودن؛ تاییدیه‌های آموزشی و گواهی اشتغال به تحصیل و تاییدیه‌های پژوهشی هم که چون جزء کار اداری محسوب می‌شدند و به قول یکی از کارمندان عزیز: «دانشگاه در تعطیلی به سر می‌برد و این چه وقت آوردن فرم برای امضاست؟»، کلاً باید بی‌خیالشون می‌شدی. بیچاره اون بنده خدایی که شهریور ماه دفاع دارند. خب... اینا همه به کنار بذار از سیستم تهویه‌ی دانشگاه براتون بگم! نمی‌دونم

نخیر... کی گفته تابستون زمان تفریحه؟! اتفاقاً برعکس زمان کار هستش و جلو بردن پروژه‌ها. و از اونجایی که دانشگاه‌ها موظفاند دو هفته تعطیلی رسمی داشته باشند؛ پس تربیت مدرس هم از این قضیه مُبرا نبود. ولی آخه چه تعطیلی‌ای عزیز من؟! دانشجو‌ها که دارن از صبح تا غروب تو آزمایشگاه‌ها و کتابخونه‌ها فعالیت می‌کنند، پس گویا این تعطیلی فقط از آن کارمندان دیگه... اینجاست که دانشجو‌ها باید برای ورود به دانشکده‌هاشون در این ایام تعطیلات به خط بشن و اثر انگشت بدن.

امسال هم مثل سال‌های گذشته قرار بود تعطیلی دانشگاه دو هفته‌ی میانی مرداد ماه باشه، ولی نمی‌دونم چرا به جای دوهفته بیهو شد یک ماه... راستش من شنیده بودم که دانشگاه به کارمندان گفته که می‌تونند یک هفته قبل و یک هفته بعد از تعطیلات رسمی رو مرخصی تشویقی بگیرن، ولی دیگه فکر نمی‌کردم همه با هم به مرخصی برن و اون چندتایی هم که نرفتن، وقتی برای کاری بهشون مراجعه می‌کنی بگن که الان زمان تعطیلات دانشگاهست و نمی‌تونیم کاری

تعطیلی یک هفته، دو هفته؛ نه یک ماه!



آخی... یادش بخیر. آدم‌ها چقدر زود بزرگ میشن. از کوچیکی به تابستون بود و به تعطیلی درست و درمون و به عالمه تفریح و مسافرت و مهمونی و بازی! کم کم که بزرگ شدیم فهمیدیم میشه تو تابستون، هم تفریح داشت و هم به یک سری از کارهای عقب مونده رسید؛ یا اینکه مهارت‌ها را افزایش داد. تا اینکه زد و تربیت مدرس قبول شدیم و فهمیدیم



نسرین شکوه فر
دانشجوی کارشناسی ارشد شیمی معدنی
دانشگاه تربیت مدرس

تحول نظام سلامت در حوزه بهداشت



آزینا ظهیری

دانشجوی دکترای آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دانشگاه تربیت مدرس

مأموریت‌های کلی و اسناد بالادستی بویژه سند چشم انداز ۲۰ ساله، سیاست‌های کلی سلامت ابلاغی مقام معظم رهبری، مواد قانونی مرتبط با سلامت در برنامه پنجم توسعه و برنامه‌های دولت یازدهم از یک مرحله مطالعاتی شش ماهه از اردیبهشت ماه ۱۳۹۳ آغاز کرده است. تحول در نظام سلامت با سه رویکرد حفاظت مالی از مردم، ایجاد عدالت در دسترسی به خدمات سلامت و نیز ارتقای کیفیت خدمات اجرا می‌شود تا بتدریج با همکاری خدمتگزاران عرصه سلامت شاهد تحقق سیاست‌های کلی رهبری و ارتقای مورد انتظار در نظام سلامت باشیم.

سیاست‌های کلی سلامت ابلاغی مقام معظم رهبری به همگانی ساختن بیمه پایه درمان و پوشش کامل نیازهای پایه درمان توسط بیمه‌ها برای آحاد جامعه و کاهش سهم مردم از هزینه‌های درمان تاکید ویژه‌ای دارد تا آنجا که بیمار جز رنج بیماری، دغدغه و رنج دیگری نداشته باشد.

اهداف نهایی طرح تحول نظام سلامت: - افزایش پاسخگویی نظام سلامت؛ - کاهش پرداخت مستقیم از جیب مردم؛ - کاهش درصد خانوارهایی که بخاطر دریافت خدمات سلامت دچار هزینه کمرشکن شده‌اند؛ - بهبود پی آمدهای بیماران اورژانسی؛ - افزایش زایمان طبیعی.

کردن تجهیزات پیشرفته و مدرن افزایش یافته است. - میزان دسترسی و بهره‌مندی مردم از خدمات سلامت بیشتر شده است. اگر چه در سال‌های اخیر نظام سلامت توانسته است با استفاده از راهبرد مراقبت‌های بهداشتی اولیه به پیشرفت‌های چشمگیری در سطح کلی سلامت مردم و بالا رفتن شاخص‌های مربوط به آن برسد، اما همچنان یکی از مهمترین دغدغه‌های سیاستگذاران، برقراری عدالت در سلامت و دسترسی به خدمات سلامتی است. وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به عنوان متولی سلامت در کشور با عنایت به وظایف و

به آموزش سلامت در سطح کشور گردیده است. دستاوردهای جمهوری اسلامی جمهوری اسلامی در حوزه سلامت طی ۳ دهه دستاوردهای ارزنده‌ای داشته است: - امید به زندگی افزایش یافته است. - مرگ مادران در اثر بارداری و زایمان کاهش یافته است. - مرگ نوزادان و کودکان کاهش یافته است. - دسترسی به خدمات با ایجاد شبکه‌های بهداشتی- درمانی، بیمارستان‌های آموزشی و درمانی، تربیت نیروی انسانی از رده کاردانی تا فوق تخصصی، فراهم

در ایران مدت‌ها پس از تأسیس وزارت بهداشتی (سال ۱۳۲۰) عملاً فعالیت‌های آموزش سلامت در سطح محدودی از سال ۱۳۳۰ به بعد آغاز شد که در ابتدا فعالیت‌های آن متوجه مسائل ریشه‌کنی مالاریا گردید و بتدریج در طی سال‌های بعد فعالیت‌هایی نظیر بهسازی محیط، تألیف مواد درسی و مطالب خواندنی و تهیه پوستر و بولتن را بر عهده گرفت. در سال ۱۳۴۰ به بعد واحد آموزش سلامت وزارت بهداشتی تجهیز شد و به حالت فعالیت درآمد. بلاخره در سال ۱۳۵۱ اداره‌ی آموزش سلامت (بهداشت) به دفتر آموزش سلامت (بهداشت) تبدیل شده و عهده‌دار انجام رسالت‌های مربوط

سلامت و دیعه‌ای است خدادادی و حقی است همگانی که خداوند به ما ارزانی داشته و همه ما مسئولیت صیانت از آن را بر عهده داریم. فردی که امروز متولد می‌شود بالقوه ۸۵ سال توان زندگی مفید، مولد و عاری از معلولیت و ناتوانی را طبق سرشتی که خداوند در تکوین او به کار برده است دارد ولی چرا عده زیادی قبل از این سن یا فوت می‌کنند یا معلول و از کار افتاده و ناتوان می‌شوند؟ نقش و مسئولیت ما در حفظ و نگهداری و صیانت از سلامت خودمان (خانواده و جامعه‌مان) چیست؟ در قدیم آموزش بهداشت به صورت غیر رسمی بوسیله پزشکان انجام می‌شد و شامل توصیه‌هایی بود که به بیماران می‌گردید. از نظر سابقه تاریخی سالرنو اولین شخصی بود که چند دستور بهداشتی بصورت دستورالعمل صادر نمود:

(در شب غذای سبک بخورید، بعد از غذا چند قدمی راه بروید) فعالیت‌های منظم مبتنی بر طرح ریزی در آموزش سلامت در سطح بین المللی پس از تأسیس سازمان جهانی بهداشت در سال ۱۹۴۸ آغاز شد. در سال ۱۹۵۱ دکتر توماس د. وود (Thomas D. Wood)، برنامه‌ای را با عنوان Physical Education and Hygiene آغاز کرد. او در اکثر وقایع آموزش بهداشت از سال ۱۹۰۰ تا ۱۹۴۰ نقشی مهم ایفا کرد و به همین دلیل، او را پدر آموزش بهداشت نامیده‌اند.



شما هم حتماً سر بزنید. باور کنید خیلی وقتتون رونمیگیره. دوستان نانویی من! مراقب سلامتی تون بشید

(پی نوشت)

- 1-<http://www.aas.org/fy16budget/national-nanotechnology-investment-fy-2016-budget>
- 2-<http://www.nano.gov/you/environmental-health-safety>
- ۳- دکتر مهناز مظاهر اسدی، آزاده غلامی قوام آباد، فصلنامه راهبرد / سال نوزدهم/ شماره ۵۵ / تابستان ۱۳۸۹ / صص ۳۷-۵۸. 4-<http://www.nanosafety.ir>

دادند که ایمنی محصولات نانویی را در این حوزه‌های کاری خودشان مورد بررسی قرار میدن. بنابراین محصولات نانو باید ایمن باشن تا اجازه‌ی تجاری سازی شدن رو داشته باشن. اما این وسط تکلیف دانشجوها و محققینی که تو خط اول این فناوری به پیش میرن چی میشه؟ خوشبختانه به این منظور هم نهاد دیگه‌ای بوجود اومده؛ یعنی «شبکه ایمنی و سلامت نانو»^۴ که وظایف مختلف تحقیقاتی و آموزشی رو عهده دار شده. پژوهشگرای عزیز فقط کافیه قبل از پوشیدن روپوش آزمایشگاه یه چند دقیقه‌ای وقت صرف کنن و به سایت این نهاد سر بزنن و دستورالعمل «بهداشت و ایمنی کار با مواد نانویی» رو مطالعه کنن.

نانو سلامت!

عاملی که موجب ایجاد چنین قابلیت‌ها و مزایای فراوان در حوزه‌ی نانو فناوری میشه اینه که با نانو شدن (کاهش اندازه مواد، حداقل در یک بعد، به زیر ۱۰۰ نانومتر) خواص ویژه‌ای از جمله نسبت سطح به حجم بالا در مواد ایجاد میشه. اما همین ریز شدن نانویی می‌تونه برای سلامتی و محیط زیست مسئله آفرین بشه. ورود خواسته یا ناخواسته نانو مواد به محیط زیست، زنجیره غذایی موجودات و نهایتاً بدن انسان، اثرات جبران ناپذیری رو موجب میشه. پس حالا باید چیکار کرد. از خوبی‌هاش چشم پوشی کنیم و برای همیشه پروندش رو ببندیم؟! با توجه به سیاست گذاری‌های دولت، نهادهای مختلفی در کشور بوجود اومده تا بتونیم از محاسن این فناوری ارزشمند استفاده کنیم بدون اینکه نگرانی‌های چندانی در مورد عوارض استفاده از اون داشته باشیم. دو وزارتخانه بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و جهاد کشاورزی کمیته‌هایی با همین هدف تشکیل

بودجه‌ی مطالبه شده از طرف مراکز تحقیقاتی آمریکا برای کار در حوزه‌ی فناوری نانو، به حدود یک و نیم میلیارد دلار رسیده که نیم درصد هم نسبت به سال قبل افزایش نشون میده. البته در کنار این حجم از سرمایه گذاری، مبلغی که سالانه برای حوزه حفظ سلامت و محیط زیست (EHS) در راستای فناوری نانو در این کشور در نظر گرفته شده، حدود یک صد میلیون دلار و گزارش‌ها نشون میدن که از سال ۲۰۰۶ تا پایان سال ۲۰۱۵ در مجموع بالغ بر یک میلیارد دلار بودجه صرف این حوزه سلامت شده^۲. از این ارقام و اعداد میشه اینطور برداشت کرد که فناوری نانو پر از فایده‌ست ولی انگار تا حدی هم خطرناک! در وصف اهمیت و فواید نانو فناوری همین بس که به سرعت وارد بخش‌های مختلف صنعت شده؛ صنعت دارورسازی، ساختمان‌سازی، رنگ‌ها و روکش‌ها، صنایع خودرو، برق و الکترونیک، شوینده‌ها، صنایع غذایی و...^۳

شما تو مواجهه با پیشوند تسخیرکننده‌ی "نانو"، جزو دکوم دسته از آدم‌ها بودید؟ اونایی که افتادن تو مسیروش و "نانو" سر هر چی که بیاد قند تو دلشون آب میشه یا نه! قبل از پیچیدن تو این جاده‌ی هیچان انگیز یه "نانو ترمز" زدید و دارید آهسته طی مسیری می‌کنید؟ من یه بزرگی رو می‌شناسم که کلاً به نانو و نانو کارها پشت کرده و یکسره نقدشون می‌کنه. از این دسته که نیستید؟ شایدم جز این طیف انگشت‌شمار باشید. آیا این موج حمایت و تشویق نانویی که خیلی هامون سوارش شدیم مارو به ساحل می‌رسونه؟ اصلاً ما خطرات این موج سواری رو می‌شناسیم؟ اگه بزرگی این نانو موج چیمون کرد چیکار کنیم؟ من خودم تو این موضوع هر وقت دچار شک شدم یه نگاه به آمار و ارقامی انداختم که تو ایران برای حمایت از این فناوری خرج میشه. رقم قابل تأملیه! جالبه بدونید که میزان حمایت از این فناوری در کشور آمریکا هم بالاست. در سال ۲۰۱۶



معصومه چمک

پژوهشگر پسا دکترای شیمی
دانشگاه تربیت مدرس

زنگوله‌ی درختِ مو

سید محمد جواد مویدیان

کارشناسی ارشد اقتصاد کشاورزی دانشگاه تربیت مدرس



وقت‌ها هوا گرم می‌شود. امیدوارم کولرِ خوابگاه‌های دختران و پسران اصلاً خراب نشود تا همه بدون گرما و ترس و اضطراب شاخ به شاخ، تابستان خود را بگذرانند. کار من هم دیگر دارد تمام می‌شود؛ دعا کنید زود دفاع کنم برگردم گل تپه... در ضمن؛ می‌خواهم برای مکینه‌ی باغِ عمو محسن موتورِ برقی با صفحه‌ی خورشیدی طراحی کنم تا دیگر نیازی به موتور سوختی و بهرام‌آسفالت و ظاهر شدنِ ترسناکِ وقت و بی‌وقتش نباشد.

راستی نگفتید؛... صدای زنگوله‌ی... درختِ مو... خوب هست؟

قربانتان برم
مسعود

(پی نوشت)

۱ - Pager

۲ - درخت انگور، تاک

۳ - روسری، پوشش سر

۴ - درخت من

این پیچر یک چیزی شبیه همان زنگوله‌ی برنجی کَره‌بُز نادر چوپون است که ملیحه از صدای آن خوشش می‌آمد و من به جای جایزه‌ی آواز خواندن، آن هم آن را با کلاف سبز دارِ قالی نیمه‌کاره‌ی لیلی و مجنونش بست به داربست درختِ مو، تا هر وقت پسرها برای کلاس قرآن به حیاط آمدند آن را تکان دهند تا دخترها در اندرونی بشنوند و خودشان را جمع و جور کنند و چارقَدّ به سر؛ همان درختِ مویی که هم سن ملیحه بود و بعد از بستن زنگوله، به آن می‌گفتم درختِ مو... اینجاست که پسرها تابستان‌ها برای این‌که خنک شویم پاهایمان را می‌گذاشتیم در جوی آب مکینه‌ی باغِ عمو محسن! اما اینجا به جز پارک لاله جای دیگری جوی آب تمیز ندارد! حالا شما خودتان را ناراحت نکنید. اینجا همه چیز خوب است. فقط بعضی

نارنجی!... در همین ماه رمضان امسال، کولر واحد دوسه‌ی خوابگاه‌مان خراب شد؛ نزدیک به یک هفته از تعمیر اساسی خبری نبود! بچه‌های آن واحد و مُبلِغِ رضانی خوابگاه چه‌ها کشیدند در آن گرما! بماند که بیشتر بچه‌ها یا امتحان ترم داشتند یا آزمون جامع؛ با زبان روزه! یادش به خیر؛ آن سال که ماه رمضان در تابستان بود، عمو راضیه کلاس قرآن را به جای عصر، بعد از اذان صبح می‌گذاشت که هوا خنک باشد و بچه‌های روستا به گرفتن روزه‌ی کله‌گنجشکی تشویق شوند! اما اینجا برخی از آقایان اعتقادشان به امتحان ترم و آزمون جامع و سمینار و کارهای پژوهشی سنگین انرژی‌بر در ماه رمضان، دو صد چندان می‌شود! وقتی هم اعتراض می‌کنیم می‌گویند: "برای شما دانشجویها هم که یک وقت ماه رمضان است، یک وقت عزا است، یک وقت عید است... پس کی می‌خواهید درس بخوانید؟!" واقعاً که چه پاسخ منطقی و مُطَقنی!

است! می‌گفتند در بیشتر روزها آقای تعمیرات در خوابگاه است مگر این‌که خلأش ثابت شود! می‌گفتند ممکن است هر کجای خوابگاه، حتی در آسانسور، آشپزخانه یا دیگر اقصی نقاط بالا و پایین آن، با آقای تعمیرات شاخ به شاخ کنند، آن هم با سر و وضع لُحافِ تُشکی...! یکی از آنها می‌گفت این موضوع را به مسئولین گفته‌ایم و آنها در پاسخ گفته‌اند شما همیشه باید برای مواجهه با لحظه‌های خطیر آماده به رزم باشید! گفته‌اند اصلاً چه معنی دارد دانشجوی دختر با لباس راحتی لُحافِ تُشکی در خوابگاه رفت و آمد کند؟! پس حیایان کوا! حالا خوب است این آقایان تعمیرات خوابگاه‌های پسران را باید مانند ابر تابستانی به انتظارشان نشست؛ وگرنه قانون می‌شد که از این پس پسرها همچون روز مصاحبه، با کت و شلوار، در خوابگاه تردد نمایند! فکرش را بکنید... چه وضعی می‌شد... کت سورمه‌ای با شلوارکِ توپ‌توپی

سلام آقایان و مادر جان عزیزم! حالتان خوب است؟ هوای روستا چطور است؟ اینجا که گرم است! راستی ببخشید یادم رفت؛ نُن جون و دایی جواد و پسرخاله خوب‌اند؟ عمو راضیه چطور است؟ یادش بخیر در بچگی وقتی هوا گرم می‌شد با بچه‌ها می‌رفتیم لبِ جوی آب مکینه‌ی باغِ عمو محسن و پاهایمان را می‌گذاشتیم در آن تا خنک شویم. ملیحه هم می‌آمد. اما همیشه می‌ترسید که نکند دوباره موتور مکینه خراب شود و عمو محسن به بهرام‌آسفالت بگوید بیاید برای تعمیر آن. آخر، این بهرام‌آسفالت مثل جن، یکپو جلوی بچه‌ها ظاهر می‌شد و همه از دیدن هیبت چرب و چیل و سیاه و زهره‌تَرک می‌شدند! با آن سیبل‌هایش! ما که آخرش نفهمیدیم این آقا بهرام که شغلش کاه‌گل کردن خانه‌ها بود و در کنارش وسایل موتوری را تعمیر می‌کرد؛ چه صنمی با آسفالت داشت که به او می‌گفتند بهرام‌آسفالت! شاید به خاطر ظاهر سیاه و روغنی‌اش... شاید هم به خاطر آسفالت کردن... یعنی اذیت شدن و ترسیدن بچه‌ها، این اسم را روی او گذاشته بودند! بنده‌ی خدا آدم کارراه‌بنداز و خوش‌قلب و خوبی بود اما همیشه موجب سکت زدن دختر بچه‌های روستا می‌شد!

گفتم دخترها... شاید باور نکنید اما اینجا هم این مشکل را داریم! چند روز پیش دخترهای آزمایشگاه‌مان می‌گفتند از دست آقایان تعمیرات خوابگاه‌هایشان کلافه شده‌اند! می‌گفتند بیشتر خوابگاه‌ها پیچر ندارد و نمی‌دانند آقای تعمیرات الان دقیقاً کی و کجای خوابگاه

هر آنکس که دندان دهد، نان دهد

رحیمه زرگر (رها)

کارشناسی ارشد مترجمی زبان فرانسه



نان دهد. بی‌خودی که این قدیمی‌ها به حرفی رو نمی‌زدن! نگران نباش عزیزم. مادر خودش می‌گه و خودش می‌خنده. به دندونای سفید و ردیف‌اش نگاه می‌کنم که همین چند وقت پیش اکبر آقای دندون ساز براش درست کرده؛ لابد از این به بعد قراره اکبر آقا نونِ مادر ما رو بده؟! دارم فکر می‌کنم چقدر باید صبر کنم تا امیرعلی دندون دربارهاه! - چاییت سرد شد مادر! یکی از اون قندهای سفید رو می‌زارم گوشه لپم و چاییم رو به نفس سر می‌کشم!

براش خریدم، چای می‌ریزه! چای دارچین توی استکانای کمر باریک شاه عباسی با یه قندون سفید گل سرخی که یادگار جهیزیه! - مادر بیا بشین دیگه! اومدم یه دقیقه خودتو ببینم - میام مادر، الان میام. می‌خوام برات از این شکر پنیر هل دارا که دوس داری بیارم. خاله شمسی از مشهد آورده! در گنج‌اش رو باز می‌کنه و ظرف شکر پنیر رو در میاره. - نگران نباش قربون قدت برم. بالاخره همه چیز درست میشه! از قدیم گفتن هر آنکس که دندان دهد،

داشتم به راه رفتن مادر نگاه می‌کردم که از توی آشپزخونه با یه سینی چای می‌اومد. کی مادر اینقدر پیر شد که من نفهمیدم! وقتی راه میره، مثل یه نون کج و راست میشه. خیلی از آدم‌ها وقتی پیر میشن، نمیدونم چرا اینطوری راه میرن؟! یادمه عزیز جون هم سال‌های آخر عمرش همین شکلی راه می‌رفت و من توی عالم بچگی فکر می‌کردم چرا ادای پنگوئن‌های توی کارتون‌های رودرمیاره! سینی رو از دستش می‌گیرم؛ هنوزم توی همون سینی قلم کار اصفهان که دقیقاً یادم نیست روز مادرِ کدوم سال



هادی طلوعی - سجاد محسنی

دانشجوی دکتری علوم سیاسی - دانشجوی دکتری روابط بین الملل
دانشگاه تربیت مدرس



سقوط جاویدان

اخیراً یک فایل صوتی درباره‌ی اعدام اعضای سازمان مجاهدین خلق (منافقین) در سال ۶۷ منتشر شده است. گروه‌هایی با حربه این فایل تلاش می‌کنند، جنایات این گروه را بپوشانند و صدمات وارد شده به ملت ایران را در سال‌های دهه ۱۳۶۰ کمرنگ نمایند. هدف این گروه‌ها و البته سازمان منافقین جذب نیروهای جدید و فعالیت در جهت جلب حمایت آمریکا است. این گروه که با خیانت در جریان جنگ تحمیلی و پناهندگی نزد صدام حسین داغ ننگ بزرگی را بر پیشانی احساس می‌کرد، در سال‌های اخیر از متن حوادث سیاسی و امنیتی ایران و خاورمیانه حذف شده بود. تا اینکه در نشست سالیانه سازمان در فرانسه و همراهی کشورهای مخالف ایران همچون عربستان و آمریکا با آن نامش دوباره بر سر زبان‌ها افتاد. با توجه به خیانت مکرر منافقین در جنگ و همچنین جاسوسی از مراکز هسته‌ای و افشای اطلاعات اتمی ایران در سال ۱۳۸۳ آگاهی نسل جوان با ابعاد فعالیت‌ها و ریشه‌های فکری و عقیدتی این گروهک ضروری می‌نماید. در این بخش سعی شده است، تاریخچه سازمان منافقین به اجمال بررسی گردد. سازمان مجاهدین خلق ایران یک گروه سیاسی - نظامی است که در سال ۱۳۴۴ توسط محمد حنیف نژاد، سعید محسن و علی اصغر بدیع زادگان از دانشجویان دانشگاه تهران، با هدف سرنگونی حکومت پهلوی تأسیس شد. این سازمان همچون اغلب گروه‌هایی که در دهه‌ی ۴۰ م می‌قهرامیز را در مبارزه برگزیدند، تحت تأثیر سرکوب قیام پانزده خرداد و شکست مبارزات مسالمت‌آمیز، در جریان تدوین استراتژی خویش به «مبارزه مسلحانه» رسید و به تدریج با بهره‌گیری از نظریات و تجارب جریان‌های چپ آمریکای لاتین، شیوه «جنگ چریکی شهری» را در تاکتیک‌هایش اتخاذ کرد. برنامه سازمان در ابتدا جذب افراد جوان، تحصیل کرده و مذهبی در دانشگاه‌ها، مساجد، هیئت‌های مذهبی و مراکز فرهنگی بود. سازمان در این مرحله اسلام را به عنوان ایدئولوژی خود انتخاب کرده و آثار آیت‌الله طالقانی و مهندس بازرگان را به صورت آموزش‌های عقیدتی - سیاسی به نیروهای خود ارائه می‌کرد. یکی از نخستین مسائلی که در این مطالعات به چشم می‌آید، آشنایی با آثار مارکسیستی بود. در آموزش‌ها همگونی سازمان هر کجا که مذهب از پاسخ منطقی به سوالاتی عاجز بود، با توسل به مارکسیسم جواب داده می‌شد و هر وقت که مسئله‌ای احساسی مطرح بود و در قالب علم نمی‌گنجید، با توجیه مذهبی

مقطع انقلاب اسلامی

در سال ۱۳۵۰ بنیان‌گذاران سازمان و به دنبال آن اکثریت کادر آن توسط ساواک دستگیر شدند. به همین دلیل با اعدام بنیان‌گذاران و بسیاری از کادرهای اصلی‌اش، ضربه‌ی سختی را متحمل شد و در آستانه‌ی فروپاشی قرار گرفت. در سال ۱۳۵۷ به یمن پیروزی انقلاب، کادرهای باقی‌مانده از زندان آزاد شدند. سازمان در ابتدا تلاش می‌کرد، جایگاه خود را به عنوان آلترناتیو رهبران سیاسی در حاکمیت جدید مطرح کند. بر این اساس مجاهدین اقداماتی را به منظور گسترش سازمانی، جذب نیروهای جدید، تقویت امکانات تبلیغاتی و توان نظامی آغاز کردند و یک نیروی شبه نظامی را سازمان‌دهی نمودند. سازمان سپس با انحصارطلب و مرجع‌نامیدن حزب جمهوری اسلامی و لیبرال خواندن اعضای نهضت آزادی تلاش نمود، خود را نماینده اسلام حقیقی و پیشرو معرفی کند. سازمان که از حداکثر امکانات سیاسی موجود استفاده می‌کرد، در انتخابات مختلفی که برگزار شد، شرکت کرد. بدین ترتیب اعضای سازمان به صورت مشروط به جمهوری اسلامی رأی دادند و در

شماری از عناصر سازمان، جزوهای تحت عنوان گامی فراتر در افشای منافقین منتشر کرده، ماهیت منافقانه تقی شهرام و یاران وی را شرح دادند. این نخستین باری بود که کلمه منافق به شماری از اعضای سازمان اطلاق شد. اختلافات

این جریان‌ها به حدی بالا گرفت که به دستور سران سازمان، شریف واقفی کشته و جنازه‌اش به آتش کشیده شد و صمدیه لاف ترور گشت. بدین ترتیب ماهیت خشونت‌بار سازمان مجاهدین اولین بار در پیش از انقلاب و طی تصفیه‌های خونین داخلی بروز یافت.

همکاری اطلاعاتی سازمان با صدام انجام می‌گرفت. یکی از اصلی‌ترین وظایف مجاهدین شنود بیسیم نیروهای ایرانی و پیاده کردن و کشف رمز پیام‌ها و تحویل‌شان به مقامات عراقی بود. وظیفه دوم نیز تخلیه تلفنی سربازان ایرانی و گرفتن اخبار و تحولات جبهه جنگ بود. همکاری سازمان با استخبارات عراق باعث شد تا این ارگان شعبه‌های عملیاتی نیرومندی را در ایران راه بیندازد. از این مقطع، اطلاعات بسیاری درباره‌ی تغییر و تحولات و نقل و انتقالات نیروهای ایران از طریق سازمان در اختیار استخبارات قرار می‌گرفت. افزون بر این مجاهدین پنج قرارگاه در جنوب تأسیس کردند. وظیفه اصلی این قرارگاه‌ها به لحاظ نظامی، یکی شناسایی در منطقه مرزی برای انجام عملیات نظامی روی نیروهای ایرانی بود و دیگری شنود روی مکالمات ایرانی‌ها و جمع‌آوری اطلاعات برای سیستم استخبارات عراق.

ستاد اطلاعات مجاهدین در آن زمان علاوه بر شنود مسئولیت دیگری نیز داشت و آن تخلیه اطلاعاتی از طریق تلفن بود. آن‌ها با سربازان یا خانواده آن‌ها و مقامات نظامی ایرانی تماس می‌گرفتند و به شکل‌های مختلف سعی می‌کردند اطلاعات جمع‌آوری کنند و با کنار هم گذاشتن این اطلاعات به نتیجه واحدی می‌رسیدند. افرادی که سازمان تحت عنوان «هسته‌های مقاومت» معرفی می‌کرد، تنها وظیفه‌شان جمع‌آوری اطلاعات نظامی و انتقال آن به سازمان و سپس به عراق بود. از جمله اینکه موقع اصابت موشک، گرای موشک‌ها را تصحیح می‌کردند و از آمار کشته‌ها و زخمی‌ها و تلفات مردم ایران به سازمان گزارش می‌دادند.

مسعود رجوی در خرداد ۱۳۶۵ با این منظور که دولت فرانسه وی را تحت فشار قرار داده است (دولت ژاک شیراک رجوی را به دلیل توجه نکردن به قوانین داخلی و امنیتی فرانسه، از این کشور اخراج کرد) و به دنبال امضای معاهده‌ای در پاریس با طارق عزیز به بغداد رفت. پس از ورود وی، نیروهای سازمان در قرارگاه‌های تشکیلاتی در عراق، سازمان‌دهی شده و با حمایت ارتش این کشور سلسله عملیاتی‌هایی را در طول جبهه‌های شمالی جنگ اجرا کردند. از آنجا که عراق مرزهای زمینی طولانی با ایران داشت، بهترین و آسان‌ترین راه برای نفوذ عناصر

فنی، راننده و پزشک مشاهده می‌گردد. اوج این ترورهای کور در سال‌های ۶۲-۱۳۶۰ انجام شد. در منابع این گروه و گزارش مسعود رجوی آمده که سازمان در سال‌های مذکور ۱۹ هزار نفر از نیروهای جمهوری اسلامی را به شهادت رسانده است. پس از تشکیل وزارت اطلاعات در سال ۱۳۶۳ و تمرکز امور امنیتی در کشور، مبارزه با این سازمان مؤثر واقع شد و با انهدام شبکه داخلی آن در ایران، سران این گروه به فرانسه و سپس عراق پناهنده شدند و خود را به طور کامل در راستای سیاست‌های دولت عراق قرار دادند.

خیانت در جریان جنگ تحمیلی

در آغاز جنگ، سازمان مجاهدین تجاوز عراق به خاک ایران را محکوم کرد؛ اما پس از چند ماه مسعود رجوی در پیام نوروزی خود، تحمیل جنگ به کشور را نتیجه بی‌کفایتی مسئولان و دخالت در امور دیگران دانست. اعضای سازمان از همان روزهای نخست جنگ، پس از ورود به جبهه‌ها شروع به جمع‌آوری اخبار و اطلاعات مربوط به یگان‌های نظامی خودی و تهیه عکس از محل استقرار و استحکامات می‌کردند. تا اینکه رجوی در دی ماه ۱۳۶۱ در پاریس با طارق عزیز معاون نخست‌وزیر و وزیر خارجه عراق ملاقات کرد و طرح صلحی را به امضا رساند. می‌توان دلایل گرایش سازمان مجاهدین به صدام را موارد زیر دانست:

۱. ناامیدی از حمایت داخلی و ناتوانی در جذب مطلوب نیرو

۲. سابقه فعالیت‌های تروریستی زمینه را برای عدم پذیرش مجاهدین از سوی عموم مردم فراهم کرد.

۳. پر شدن خلأ قدرت داخلی پس از انقلاب رفته رفته فضای فعالیت سیاسی را برای سازمان محدود می‌کرد.

۴. تغییر دیدگاه ایدئولوژیکی و گرایش به مارکسیسم شکاف گسترده‌ای را با هویت اسلامی انقلاب ایجاد نمود.

علاوه بر موارد مذکور یکی از مهم‌ترین دلایل همکاری علنی رجوی با حکومت بعث‌رامی توان تمایل وی برای به رسمیت شناخته شدن در عرصه دیپلماتیک دانست. چرا که پس از اقدامات نظامی سازمان، پایگاه خود را در داخل از دست داده بود. سازمان در ابتدا پادگانی به نام جلال‌زاده تأسیس کرد و عباس داوری از نزدیکان رجوی به عنوان نماینده وی با صدام در ارتباط بود. در خلال جنگ، و پزشک مشاهده می‌گردد.

انتخابات خبرگان شرکت نمودند. هر چند اکثریت نامزدهایشان در انتخابات مجلس شورا شکست خوردند. سازمان در مرحله بعدی تلاش کرد که از تضادهای درون حاکمیت بهره ببرد و بدین منظور هنگامی که اختلاف بنی‌صدر و حزب جمهوری اسلامی در مورد تعیین نخست‌وزیر و وزرا بالا گرفت، با بنی‌صدر ائتلاف کرد. اوج این ائتلاف در مراسم ۱۴ اسفند ۱۳۵۸ و در سالگرد دکتر مصدق در دانشگاه تهران نمود یافت. در این روز نیروهای شبه نظامی سازمان به برخورد با انقلابیون و مخالفان بنی‌صدر اقدام کردند. در نهایت سازمان در خرداد ۱۳۶۰ مشی مسلحانه را به منظور سرنگونی جمهوری اسلامی اعلام کرد. حاصل این مشی، عملیات تروریستی در بین مردم و سیاستمداران وقت بود که ضربات جبران‌ناپذیری را به بدنه‌ی جمهوری اسلامی وارد کرد. بسیاری از این ترورها بدون شناسایی واقعی و به اصطلاح از نوع کور بود. در این نوع ترورها تیم‌های عملیاتی سازمان چنین توجیه شده بودند که هر فردی که عکسی از امام یا دیگر رهبران سیاسی و روحانی را در محل کارش دارد یا مانند پاسدارها ریش گذاشته و یا پوشش وی شبیه افراد مذهبی و هیئتی باشد، باید ترور گردد. علت آن را نیز چنین توجیه می‌کرد که اینان حزب‌الهی هستند و خانه‌های تیمی سازمان توسط همین افراد لو می‌رود و به اصطلاح سرانگشتان رژیم هستند. در فهرست ترور سازمان علاوه بر نظامیان شاغل در سپاه، ارتش، بسیج و شهربانی؛ کارمندان دولت، افراد دارای مشاغل آزاد،

در این نوع ترورها تیم‌های عملیاتی سازمان چنین توجیه شده بودند که هر فردی که

عکسی از امام یا دیگر رهبران سیاسی و روحانی را در محل کارش دارد یا مانند پاسدارها ریش گذاشته و یا پوشش وی شبیه افراد مذهبی و هیئتی باشد، باید ترور گردد. علت آن را نیز چنین توجیه می‌کرد که اینان حزب‌الهی هستند و خانه‌های تیمی سازمان توسط همین افراد لو می‌رود و به اصطلاح سرانگشتان رژیم هستند. در فهرست ترور سازمان علاوه بر نظامیان شاغل در سپاه، ارتش، بسیج و شهربانی؛ کارمندان دولت، افراد دارای مشاغل آزاد، فنی، راننده و پزشک مشاهده می‌گردد.

بود، اکنون لابی اختصاصی در کنگره آمریکا داشت و شعارهای پیشین آن در راستای مبارزه با امپریالیسم دیگر فاقد اعتبار می‌نمود.

علاوه بر سرگذشت و عملکرد خیانتکارانه این گروه در ایران آنچه قابل توجه است، موضوع فراموش شدن سازمان در اذهان ایرانیان می‌باشد. این موضوع آسیب اصلی سازمان مجاهدین در مقطع فعلی است. امروزه اکثریت جوانان و اقشار میلیونی ایران آگاهی چندانی از ماهیت سازمان و فعالیت آن ندارند. چنانکه در یکی از گزارش‌های منتشره سازمان اعلام شده، افرادی که به مدت دو سال در خارج از کشور جذب سازمان شده بودند، در پایان نمی‌دانستند که منظور از منافقین همان مجاهدین خلق است. این در حالی است که سازمان فعالیت‌های وسیعی در برنامه‌سازی رادیویی و تلویزیونی دارد؛ اما این گروه در زمره فراموش شدگان مردم ایران تعریف می‌شود. به نظر می‌رسد، نشست اخیر سازمان در فرانسه و حمایت علنی عربستان و برخی از کشورهای غربی و عربی از آن در راستای مقابله با این فراموشی صورت می‌گیرد.

ستاد اطلاعات مجاهدین در آن زمان علاوه بر شنود مسئولیت دیگری نیز داشت و آن تخلیه اطلاعاتی از طریق تلفن بود. آن‌ها با سربازان یا خانواده آن‌ها و مقامات نظامی ایرانی تماس می‌گرفتند و به شکل‌های مختلف سعی می‌کردند اطلاعات جمع‌آوری کنند و با کنار هم گذاشتن این اطلاعات به نتیجه واحدی می‌رسیدند. افرادی که سازمان تحت عنوان «هسته‌های مقاومت» معرفی می‌کرد، تنها وظیفه‌شان جمع‌آوری اطلاعات نظامی و انتقال آن به سازمان و سپس به عراق بود. از جمله اینکه موقع اصابت موشک، گرای موشک‌ها را تصحیح می‌کردند و از آمار کشته‌ها و زخمی‌ها و تلفات مردم ایران به سازمان گزارش می‌دادند.



مجاهدین که از اول افکار التقاطی‌شان مشخص بود، به‌طور رسمی اسلام را کنار گذاشتند. این تغییر ایدئولوژیک موجب شد، مجید شریف واقفی و مرتضی صمدیه لباغ از اعضای شورای مرکزی به شدت با این تصمیم مخالفت کنند.

علیه عراق، سرنوشت مجاهدین خلق که با رژیم بعث در پیوند بود، بحرانی شد. سازمان تا آخرین روزهای جنگ به نفع صدام موضع‌گیری می‌کرد و ادعاهای رژیم بغداد را مبنی بر شکست نیروهای مهاجم تکرار می‌نمود. اما پس از شکست و گریختن صدام به تسلیم و همزیستی با نیروهای آمریکایی پرداخت. شاید بتوان گفت، پس از سرنوشتی صدام حسین نخستین کسانی که به صاحب‌خانه خویش خیانت کردند، سازمان مجاهدین بودند. وضعیت جدید به گونه‌ای شد که آمریکایی‌ها حفاظت پادگان اشرف را بر عهده گرفتند و به راحتی در داخل آن تردد نمودند. در سال ۲۰۰۴ هم ارتش آمریکا به این سازمان موقعیت تحت‌الحماگی اعطا کرد و اتحادش با مجاهدین خلق را به جهانیان نشان داد. بدین ترتیب گروهی که پیش از انقلاب به ترور مستشاران آمریکایی و مراکز تجاری و امنیتی این کشور در تهران متهم

و ایفای نقش متناسب با سیاست قدرت‌های غربی تغییر کرد. از مسائلی که سازمان در خارج از کشور با آن درگیر شد، موضوع ارتباط با دولت‌ها و شخصیت‌های خارجی بود. با این حربه کشورهای غربی نیز پشت جبهه مناسبی برای مسئله نقض حقوق بشر در جمهوری اسلامی می‌یافتند. برای نیل به این مقصود لازم بود که مواضع و عملکرد ضدآمریکایی پیشین مجاهدین خلق تکذیب گردد. در حالی که بدنه‌ی سازمان تصور داشتند که یک جریان چپ‌چریکی هستند و در برابر امپریالیسم غرب و طیف‌های گوناگونش می‌جنگند. اما روند فعالیت‌های سازمان به جایی رسید که به متحد کاخ سفید و کنگره آمریکا تبدیل شد. از دهه‌ی ۱۹۹۰ سازمان شروع به کمک‌های مالی به سیاستمداران غربی برای شکر از اظهارنظرهای آنان در پشتیبانی رسمی از مجاهدین خلق نمود. البته در زمان شروع جنگ آمریکا

در سال ۱۳۵۴ تقی شهرام و بهرام آرام دو تن از رهبران گروه، بیانیه‌ای انتشار دادند و اعلام کردند که پس از سال‌ها مطالعه، به این نتیجه رسیده‌اند که مارکسیست برترین ایدئولوژی برای مبارزه علیه رژیم است. بدین شکل،

مناطق گردنشین حرکت داد. در این برهه سازمان به عنوان نیروی سرکوب داخلی عراق مورد استفاده قرار گرفت و با شورش کردها مقابله کرد. پس از پایان جنگ آنچه از سازمان باقی ماند، ارتشی مُردور بود که در کنار مرزهای کشورمان و با امکانات مالی و تکنیکی بیگانه به مناسبات ایران و عراق وابسته شد. در این زمان روند جدایی برخی از اعضای سازمان آغاز شده بود. تغییر نگرش این افراد در خصوص تشکیلات سازمان و تقدس آن، استبداد رهبری، روند سرکوب مخالفان و شرایط جدید بین‌المللی موجب این جدایی بود. بعد از رحلت امام قدرت‌های غربی که چشم امید به تحولات تدریجی در آینده ایران دوخته بودند، راهبرد نظامی پیشین را کنار گذاشتند. این سیاست با طرح براندازی نظامی مشترک رژیم صدام و سازمان کاملاً متفاوت بود. از این رو فعالیت سازمان در جهت جلب توجه افکار عمومی

سازمان به ایران به حساب می‌آمد و مجاهدین خلق این کشور را به عنوان مهم‌ترین سکونت‌گاه خود انتخاب کردند. از سوی دیگر رژیم بعث می‌توانست از سازمان به عنوان مهم‌ترین اهرم فشار علیه ایران با قدرت اطلاعاتی و آگاهی از شرایط داخلی زمینه مناسب‌تری را برای اعمال سیاست‌های خود فراهم کند. در واقع استقرار سازمان در عراق و تلاش صدام برای بهره‌برداری از قابلیت نیروهای آن، مصادف با زمانی بود که توازن جنگ به نفع ایران تغییر کرده بود.

در خرداد ۱۳۶۶ و یک سال پس از استقرار کامل تشکیلات سازمان در عراق و در آستانه سی‌ام خرداد، پیام رجوی مبنی بر اعلام تأسیس ارتش آزادی بخش ملی منتشر شد و پس از این اعلام، سازمان با کمک ارتش عراق بر قدرت نظامی خود افزود. در سال ۱۳۶۶ ارتش عراق با ۵۹ لشکر مجهز و آموزش دیده به مصاف نیروهای جمهوری اسلامی آمد که ارتش کوچک سازمان مجاهدین در دل این مجموعه قرار داشت.

مستولان سازمان می‌پنداشتند که جنگ به شکست ایران خواهد انجامید و به دنبال آن مردم آماده شورش علیه جمهوری اسلامی خواهند بود. پس سازمان این ایده را در سر داشت که رهبری مخالفان را بر عهده بگیرد. با این تصورات در تیر ۱۳۶۷ در قرارگاه اشرف جلسه‌ای برگزار شد و مسعود رجوی تصمیم خود را برای اجرای عملیاتی تحت عنوان فروغ جاویدان و فتح تهران اعلام کرد و عراق نیز نیروهای مجاهدین خلق را در انواع تجهیزات مسلح کرد. در نهایت عملیات در سوم مرداد ۱۳۶۷ آغاز شد که با اقدام نیروهای ایران تحت عنوان عملیات مرصاد و با تحمیل تلفات سنگین به پایان رسید.

در سرایشی سقوط

بعد از این شکست سازمان به لحاظ نظامی و سیاسی توان انجام عملیات دیگری را علیه ایران نداشت. البته در جریان جنگ خلیج فارس رجوی به خواست ارتش عراق و به جهت حفظ حکومت صدام، نیروهای خود را به





همه چیز در مورد شارژ سریع

فناورانه



بابک جانجانی

دانشجوی دکترای الکترونیک
دانشگاه تربیت مدرس

بزرگترین مشکل گوشی‌های هوشمند را می‌توان عمر باتری آنها دانست. احتمالاً شما نیز با این گفته موافق هستید. در این زمینه برای حل مشکل، دو فلسفه کلی وجود دارد: استفاده از باتری‌های بزرگ‌تر که ظرفیت بیشتری دارند یا شارژ سریع‌تر باتری‌ها.

شارژ سریع (Quick Charge) در اصل توسط کوالکام پایه‌گذاری شد و منظور از آن این است که مدت زمان لازم برای شارژ باتری دستگاه شما به میزان بسیار قابل توجهی کاهش می‌یابد. هر گوشی هوشمند دارای یک مدار مدیریت انرژی است که محدودیت باتری را در اینکه تا چه میزان می‌توان ولتاژ ورودی در یک لحظه دریافت کند را تعیین می‌کند. گوشی‌های هوشمندی که از شارژ سریع بهره نمی‌برند این بخش را بر روی ۱۰ وات محدود کرده‌اند (حاصل ضرب ۵ ولت در ۲ آمپر). شارژ سریع به طور بهینه‌ای این محدودیت را افزایش می‌دهد. اگر یک آداپتور شارژ بتواند انرژی بیشتری را به خروجی ارسال کند (به عنوان مثال ۱۵ وات، ۹ ولت با ۱.۶۷ آمپر) و برد مدیریت انرژی گوشی هوشمند امکان دریافت انرژی بیشتر را داشته باشد، سپس با چنین روشی زمان شارژ دستگاه نسبت به قبل کاهش محسوسی نسبت به قبل خواهد داشت.

برای اینکه گوشی هوشمند یا تبلت شما از شارژ سریع بهره ببرد، باید سه پیش‌نیاز داشته باشد: ۱- گوشی هوشمند یا تبلتی که فناوری شارژ سریع را داشته باشد. ۲- یک آداپتور با ولتاژ بالا و ۳- کابل USB متناسب و معقول. اگر در مشخصات گوشی یا تبلت شما پشتیبانی از قابلیت شارژ سریع درج نشده، در این صورت نمی‌توانید این ویژگی را به دستگاه خود اضافه کنید. یک گوشی هوشمند که از شارژ سریع

برای اینکه گوشی هوشمند یا تبلت شما از شارژ سریع بهره ببرد، باید سه پیش‌نیاز داشته باشد: ۱- گوشی هوشمند یا تبلتی که فناوری شارژ سریع را داشته باشد. ۲- یک آداپتور با ولتاژ بالا و ۳- کابل USB متناسب و معقول. اگر در مشخصات گوشی یا تبلت شما پشتیبانی از قابلیت شارژ سریع درج نشده، در این صورت نمی‌توانید این ویژگی را به دستگاه خود اضافه کنید. یک گوشی هوشمند که از شارژ سریع بهره می‌برد نمی‌تواند از یک آداپتور معمولی و استاندارد، انرژی لازم راه

به خوبی دریافت کند.

این فرآیند مثل این است که بخواهید ۱۰ فنجان را به صورت همزمان با یک سطل آب بزرگ پر کنید. شما اینکار را در ابتدا سریع انجام می‌دهید چرا که در ابتدا نیازی به دقت و بهینه ریختن آب سطل نیست، اما پس از اینکه ۶ عدد از فنجان‌ها پر از آب شدند، باید فقط ۴ فنجان باقی مانده را پر کنید و در این حالت دقت و سرعت ریختن آب از سطل به ۴ فنجان باقی مانده افزایش می‌یابد و سرعت پر کردن این ۴ فنجان به همین دلیل کاهش خواهد یافت.

انجام می‌دهید چرا که در ابتدا نیازی به دقت و بهینه ریختن آب سطل نیست، اما پس از اینکه ۶ عدد از فنجان‌ها پر از آب شدند، باید فقط ۴ فنجان باقی مانده را پر کنید و در این حالت دقت و سرعت ریختن آب از سطل به ۴ فنجان باقی مانده افزایش می‌یابد و سرعت پر کردن این ۴ فنجان به همین دلیل کاهش خواهد یافت.

آنچه اشاره شده در کل یعنی شارژ سریع هنگام خالی بودن باتری بسیار خوب کار می‌کند، اما هنگامی که میزان شارژ دستگاه به حدود ۶۰ درصد یا بیشتر برسد، سرعت شارژ شدن دستگاه نیز کاهش می‌یابد. کوالکام در حال کار بر روی رفع این مشکل در فناوری جدید خود یعنی Quick Charge ۳.۰ است، اما این فناوری همچنان در حال توسعه بوده و فعلاً نمی‌توان از آن استفاده کرد.

۲۲ سال پس از اولین تلفن همراه

در حالی که آمارها از نفوذ ۹۷ درصدی تلفن همراه در ایران خبر می‌دهد، این پدیده، بیست و دومین حضور خود را در ایران تجربه کرد. ۱۹ مرداد ۱۳۷۳ اولین تلفن همراه و سیمکارت توسط دولت راه‌اندازی و استفاده شد. در آن تاریخ فقط چهار سیمکارت در اختیار کارکنان ریاست جمهوری قرار گرفت تا نقطه آغازی

۳- یک نام دلخواه به کلید ایجاد شده اختصاص دهید. این نام به جای عنوان برنامه یا میانبر شما در منوی کلیک راست به نمایش درخواهد آمد. ۴- روی کلید ایجاد شده کلیک راست کرده و پس از مراجعه به منوی new روی key کلیک کنید. ۵- اختصاص عنوان command به کلید ایجاد شده

۶- کلیک روی گزینه command و انتخاب گزینه Default در سمت راست، سپس فعال کردن قابلیت ویرایش مقدار اختصاص یافته به آن با دوبار کلیک روی آن. ۷- مراجعه به محل ذخیره‌سازی هر یک از برنامه‌های موردنظر که قصد دارید میانبر موردنظر را به آن اختصاص دهید و بعد از کلیک راست روی فایل اجرایی برنامه، گزینه Create shortcut را انتخاب کنید تا میانبری از فایل اجرایی در همان محل ایجاد شود.

۸- روی فایل میانبر ایجاد شده کلیک راست کرده و به properties مراجعه کنید سپس تب shortcut را انتخاب کرده و مسیر موجود در مقابل کادر target را به طور کامل کپی کنید.

۹- به ویرایشگر رجیستری بازگشته و مسیر کپی شده را در کادر value data وارد کنید.

۱۰- مراحل کار به اتمام رسیده و با کلیک راست روی دسکتاپ می‌توانید گزینه ایجاد شده در مرحله ۳ را مشاهده و با کلیک روی این گزینه، برنامه مشخص شده در مرحله ۹ را اجرا کنید.

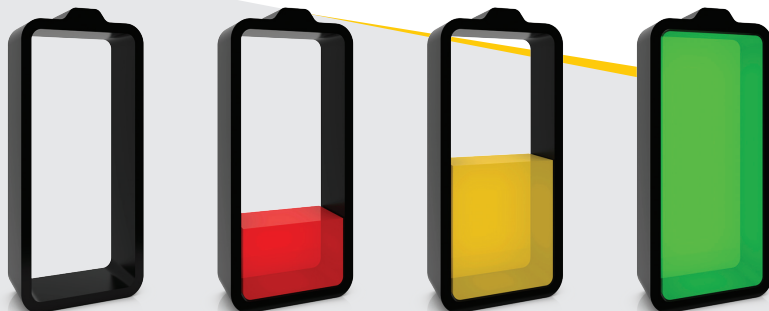
برای ورود این خدمات به ایران باشد. البته در آن سال‌ها که نه از خصوصی سازی صنعت مخابرات خبری بود و نه اپراتور دوم یا سوم برای عرضه سیمکارت و خدمات تلفن همراه وجود داشت، شرکت مخابرات ایران مسئولیت این پروژه را در دست داشت. سال ۱۳۸۶ و با جدی شدن خصوصی سازی صنعت مخابرات، این خدمات تحت نظر شرکت همراه اول قرار گرفت. در حال حاضر این اپراتور بیش از ۸۱/۲ میلیون سیمکارت واگذار شده که ۹۶/۵ درصد جمعیت کشور را تحت پوشش دارد و ارتباط رومینگ بین الملل آن با ۲۷ اپراتور در ۱۱۲ کشور جهان برقرار است.

ایجاد میانبر در کلیک راست

تا به حال به این موضوع فکر کرده‌اید که با کلیک راست ماوس روی دسکتاپ، میانبر موردنظر را برای اجرای برخی برنامه‌ها در اختیار گرفته و با کلیک روی هر کدام آن برنامه را اجرا کنید؟

۱- وارد شدن به رجیستری ویندوز (جستجوی عبارت Regedit و کلیک روی آن در استارت ویندوز) و رفتن به مسیر زیر: HKEY_CLASSES_ROOT\Directory\Background\shell

۲- کلیک راست روی گزینه Shell و مراجعه به منوی new و کلیک روی گزینه key



تعطیلات برایمان گران تمام شد!



که دانشجویان ناچار به قبول و پرداخت جریمه به ازاء این ایام تعطیل خواهد بود. راهکاری که در راستای این مطالبه ارائه می‌گردد، حذف تعطیلات دانشگاه نیست بلکه متوقف کردن تمام روند جریمه‌های آموزشی (اعم از نمره و مالی) و آغاز این فرآیند با آغاز بکار مجدد دانشگاه در اول شهریور می‌باشد. باشد که قدمی در راستای عدالت آموزشی برداشته شود...

کم هم نیست باید بردازند. تعدادی از دانشجویان سنواتی هم هستند که ۱۵ روز آخر از تمدید ۴۵ روزه آنها با نیمه اول مرداد ماه همزمان می‌شود و از ۱۵ مرداد هم جریمه نقدی برایشان محاسبه می‌شود. در واقع این نوشته می‌خواهد به جریمه نقدی و در برخی موارد کسری نمره که در مرداده ماه برای دانشجو محاسبه می‌شود، بپردازد. مسئله‌ای

در کنار مسائل روحی و روانی که در گریبانگیر دانشجوی سنواتی می‌شود، توجه به برخی از مقررات دانشگاه هم به نظر ضروری می‌آید که در ادامه قصد داریم به یکی از آنها بپردازیم. مسئله‌ای که تقریباً همه دانشجویها و دانشگاهیان از آن مطلع هستند، تعطیلی مرداد ماه است. که عملاً انجام فعالیت‌های آموزشی و پژوهش دانشگاه به صورت تعطیل یا نیمه تعطیل درمی‌آید. به دلیل اینکه بسیاری از اساتید در تعطیلات هستند و جلسات گروه نیز برگزار نمی‌شوند. بنابراین اگر کسی امکان دفاع در این فاصله را هم نداشته باشد به دلیل تعطیلی، عملاً به شهریور موکول می‌شود. این موضوع از این جهت برای ما مهم است که، دانشجو بعد از اتمام ترم‌های مجاز تحصیلی خود

در کنار مسائل روحی و روانی که در گریبانگیر دانشجوی سنواتی می‌شود، توجه به برخی از مقررات دانشگاه هم به نظر ضروری می‌آید که در ادامه قصد داریم به یکی از آنها بپردازیم. مسئله‌ای که تقریباً همه دانشجویها و دانشگاهیان از آن مطلع هستند، تعطیلی مرداد ماه است. که عملاً انجام فعالیت‌های آموزشی و پژوهش دانشگاه به صورت تعطیل یا نیمه تعطیل درمی‌آید. به دلیل اینکه بسیاری از اساتید در تعطیلات هستند و جلسات گروه نیز برگزار نمی‌شوند. بنابراین اگر کسی امکان دفاع در این فاصله را هم نداشته باشد به دلیل تعطیلی، عملاً به شهریور موکول می‌شود. این موضوع از این جهت برای ما مهم است که، دانشجو بعد از اتمام ترم‌های مجاز تحصیلی خود

(این موضوع را فقط یک دانشجوی سنواتی، درک می‌کند) از روز اولی که به دانشگاه آمدم همه زیر گوشمان خواندند که شما در کارشناسی ارشد فقط ۴ نیم سال اجازه تحصیل مجاز دارید و هر طور شده باید تا آن زمان دفاع کرده باشید. اما خب هر گروه و رشته‌ای شرایط خاص خودش را دارد و گرنه چه کسی از ادامه‌دار شدن تحصیلش خوشحال می‌شود، زمانی که هزینه تغذیه و خوابگاهش تقریباً دو برابر و نیم بشود. جدای از این مسئله، به عقب افتادن فارغ‌التحصیلی ممکن است باعث شود برخی شرایط کاری و تحصیلی در مقطع بعد را هم از دست بدهد. در واقع، سنواتی شدن برای همه مساوی است با نگرانی، استرس و فشار مضاعف. پس کسی با دل خوش سنواتی نمی‌شود!



انسیه فتحی
دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات زنان دانشگاه تربیت مدرس

تولید سلول‌های خورشید کم هزینه در دانشگاه تربیت مدرس



پژوهشگران دانشگاه تربیت مدرس با بهره‌گیری از ترکیبات نیمه هادی سه تایی، سلول‌های خورشیدی کم هزینه تولید کردند. امیرحسین چشمه خاور، از پژوهشگران این طرح و از دانش آموختگان دانشگاه در این باره اظهار داشت: اینها ترکیباتی هستند که مقاومت الکتریکی آنها بسیار بیشتر از مواد هادی و بسیار کمتر از مواد عایق است که تحت شرایط خاص می‌توانند به هادی جریان الکتریسته تبدیل شوند. وی افزود: عمده کاربرد این مواد که به دو دسته کلی نوع P و نوع N تقسیم می‌شوند، در ساخت دیود، تولید اشعه لیزر و سلول‌های خورشیدی است. از این رو بهینه‌سازی خواص این ترکیبات می‌تواند عملکرد تجهیزات تولید شده از آنها را بهبود بخشد.

چشمه خاور با اشاره به مشکلات اصلی پیش روی تجاری سازی سلول‌های خورشیدی، گفت: سلول‌های خورشیدی بدون ایجاد کوچکترین آلودگی توانایی تبدیل انرژی خورشید به انرژی الکتریکی را دارند؛ ولی مشکلی که تجاری شدن این سلول‌ها را با محدودیت جدی مواجه می‌کند، قیمت تمام شده بالای سلول و عدم پایداری آنها است.

وی ادامه داد: از این رو در این پروژه سعی شده با بهره‌گیری از نیمه هادی‌های جدید، هزینه تولید این سلول‌ها را کاهش و پایداری آنها را افزایش دهیم؛ چرا که با بهره‌گیری از نتایج این طرح می‌توان سلول‌های خورشیدی با قیمت پایین‌تر و بازدهی بالاتر تولید کرد.



ششمین دوره ضیافت اندیشه استادان

دوره بود که طی آن اساتید ضمن بررسی چگونگی رابطه دانشگاه و صنعت به بیان نقطه نظرات و مشکلات پیش روی ارتباط صنعت و دانشگاه پرداختند. برگزاری کارگاه سلامت با محوریت طب اسلامی- ایرانی و مشاوره درمانی با حضور حجت الاسلام ناظرین متخصص نام آشنای این فن، از دیگر برنامه‌های جانبی این دوره از ضیافت اندیشه استادان بود که با استقبال استادان و خانواده‌های ایشان همراه گردید.

اسلام» توسط جناب حجت‌الاسلام دکتر سید ابراهیم حسینی عضو هیئت علمی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) و کارگاه «تمدن اسلامی، چرائی فراز و فرودها و نقش استادان» توسط جناب حجت الاسلام دکتر علی فلاح رفیع عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس برگزار شد. علاوه بر کارگاه‌های آموزشی فوق، برگزاری نشست هم اندیشی استادان با موضوع "تعامل دانشگاه و صنعت" در مجموعه تفریحی بعثت واقع در منطقه طرقله از برنامه‌های دیگر این

طرح توانمندسازی و معرفت افزایی «ضیافت اندیشه» ویژه استادان و اعضای هیأت علمی دانشگاه تربیت مدرس، توسط دفتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه از تاریخ ۲ لغایت ۵ شهریور ماه در جوار بارگاه ملکوتی حضرت ثامن الحجج (علیه السلام) در قالب کارگاه‌های معرفتی، نشست‌های فرهنگی، هم اندیشی و نیز تفریحی برگزار گردید. در این دوره که با حضور ۳۱ نفر از استادان دانشگاه تربیت مدرس به انجام رسید، کارگاه‌های آموزشی تحت عناوین «اندیشه سیاسی

مسابقات شبیه سازی دیوان بین المللی کیفری



در پایان نخستین دور ملی هشتمین دوره مسابقات شبیه سازی دیوان بین المللی کیفری یادواره (هانری دونان) که مردادماه در تهران برگزار شد، تیم سه نفره دانشجویان حقوق دانشگاه تربیت مدرس به مقام نخست دست یافت. گفتنی است در این مسابقات، یک پرونده فرضی مربوط به حقوق بین‌المللی کیفری در اختیار تیم‌های شرکت کننده قرار گرفته است. این تیم‌ها در مقابل تیم قضا که از استادان برجسته حقوق کشور هستند، یک بار در مقام دادستانی و یک بار دیگر در مقام وکیل مدافع متهمان فرضی قرار می‌گیرند. دانش و معلومات حقوقی در کنار نحوه ارائه و نیز نوآوری‌ها و مسائل روان شناختی چون اعتماد به نفس و نیز مهارت بر زبان انگلیسی برای موفقیت در چنین شبیه سازی ضروری است و هر کدام از این موارد دارای نمره هستند.

دکتر حسن سواری عضو هیأت علمی دانشکده حقوق دانشگاه نیز از جمله اساتید حاضر در هیأت قضا دادگاه بود.



حجت الاسلام دکتر علی فلاح رفیع؛
مرحوم محجل در علم و ایمان از استادان شاخص دانشگاه تربیت مدرس بودند.

حجت الاسلام دکتر علی فلاح رفیع؛

مرحوم محجل در علم و ایمان از استادان شاخص دانشگاه بودند

بیان داشتند: دکتر محجل در علم و ایمان و عمل صالح از استادان شاخص دانشگاه تربیت مدرس بودند.

ضمن تسلیت درگذشت مرحوم دکتر محجل عضو هیأت علمی و دانشیار گروه زمین شناسی تکونیک،

حجت الاسلام دکتر علی فلاح رفیع مسئول نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه تربیت مدرس

پای صحبت های افتخار آفرینان تربیت مدرس



معیارهای انتخاب دانشجوی نمونه را توضیح دهید؟

خانم تقی زاده: امسال برای انتخاب دانشجوی نمونه آیین‌نامه‌ی جدیدی از وزارت علوم و بهداشت تصویب شد و بر طبق آن دانشجویان نمونه باید سقف امتیازی در هر سه فعالیت فرهنگی، آموزشی و پژوهشی داشته باشند. حیطه‌ی هر کدام هم مشخص است آموزشی، به معدل‌های سه مقطع تحصیلی، رتبه‌ی کنکورها و مدرک زبان تقسیم می‌شود. پژوهشی، هم مقالات، کتب تالیفی و طرح‌های پژوهشی و ... بود. در بخش فرهنگی، عضویت و فعالیت شما در انجمن‌های علمی، کانون‌ها، افتخارات فرهنگی و ... تقسیم می‌شود. داخل دانشگاه سه کمیسیون مدارک و امتیازات دانشجویان را سنجیده و دانشجویان نمونه در سطح دانشگاه را نهایتاً انتخاب می‌نمودند. امسال قاعده بر این بود که هر دانشگاهی با توجه به سهمیه‌ای که داشت، دانشجوی نمونه خودش را تعیین کند و سپس این دانشجویان از سوی دانشگاه به وزارت علوم معرفی می‌شدند.

هدایایی که به عنوان دانشجوی نمونه به شما تعلق گرفت چه بودند؟

خانم تقی زاده: سفر کرپلا و جوایز دیگری هم بود. سفر کرپلا را هم دانشجویان از معاون محترم رئیس جمهور خواستند و بعد ایشان هم قبول کردند. یک جایزه‌ی نقدی هم در نظر گرفته بودند. همان روز به حساب بچه‌های وزارت علوم واریز کرده بودند و سایر تسهیلات آیین‌نامه‌ای همچون ادامه تحصیل در مقطع بالاتر و پرداخت هزینه‌ی کامل فرصت مطالعاتی و عضویت در بنیاد نخبگان و ...

خانم کاشانی خطیب: بخشی از جوایز که نقدی بودند در همان روز دریافت شد هر چند که مقطعی و گذرا و در شأن دانشجوی نمونه نبوده و شایسته است که از این نخبگان به صورتی دیگر تقدیر می‌شود و حداقل اینکه برای ادامه‌ی تحصیل و امنیت شغلی این افراد فکری می‌کردند و از آنها حمایت کرده تا بدون دغدغه به فعالیت‌های علمی و پژوهشی خود

خبری چندماه پیش در روی خروجی خبرگزاری‌ها و رسانه‌های صوتی و تصویری درج شد مبنی بر اینکه دانشجویان نمونه کشوری انتخاب شدند. خبر، خبر به نوع خود برای دانشگاهیان مهم است اما مهم‌تر اینکه ما تربیت مدرس‌ها در خبر دنبال این بودیم که چند نفر از دانشگاه ما در این فهرست قرار دارند. خانم‌های زهرا کاشانی خطیب دانشجوی کارشناسی ارشد

ادامه دهند. بدیهی است عمری که این دانشجویان برای بدست آوردن امتیازات صرف کرده‌اند با یک جایزه‌ی مختصر نقدی قابل تقدیر نیست.

خانم کاشانی خطیب نظران در مورد بحث دکترا که قول داده‌اند که شامل شما می‌شود چیست؟

خانم کاشانی خطیب: بارها مسئولین در جلسات و روز تجلیل اعلام نمودند که امکان ادامه‌ی تحصیل بدون آزمون برای دانشجویان نمونه ی کشوری فراهم است اما متأسفانه وزارت بهداشت این مسئله را به آیین‌نامه‌ی استعداد درخشان منوط می‌کند که در سال ۱۳۸۹ به تصویب رسیده است و طی آن دانشجوی نمونه کشوری هم‌تراز دانشجویی دیده شده است که شاگرد اول یک کلاس بوده و باید ۹۰٪ نمره‌ی آخرین فرد قبولی را کسب کرده و در مصاحبه نیز شرکت کند اما خوشبختانه در شیوه‌نامه‌ای که در سال ۹۴ به امضای هر دو معاون دانشجویی بهداشت و علوم رسیده است و امکان ادامه تحصیل به مقطع بالاتر بدون آزمون اعلام شده ولی همچنان علیرغم پیگیری‌های مکرر اینجانب، در پیچ و خم نامه نگاری‌ها و کاغذ بازی‌های مرسوم گرفتار شده و با توجه به فرصت بسیار اندک امیدوارم این پیگیری‌ها نتیجه داده کسی پاسخگوی این مسئله به طور منطقی باشد.

سبک زندگی یک دانشجوی موفق چطور باید باشد؟

خانم کاشانی خطیب: دانشجوی موفق کسی است که باید وقت خود را در

خون شناسی آزمایشگاهی و بانک خون و خانم مهدیه محمدتقی زاده دانشجوی دکتری مطالعات زنان و آقایان علی پورجعفر دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی شهر و حمید مطهری دانشجوی دکتری فیزیک که تصمیم گرفتیم در اولین فرصت میزگردی با این عزیزان داشته باشیم آنچه که در ادامه می‌آید صحبت‌های خودمانی چشمه با این افتخارآفرینان است.

تمامی زمینه‌ها صرف کند و تک بعدی نباشد و فردی راضی خواهد بود که در تمامی زمینه‌ها به اندازه‌ای پیشرفته باشد. اگر هدف مشخصی را تعیین کنید و برای رسیدن به آن برنامه‌ریزی کنید و بدان عمل کنید قطعاً فردی موفق خواهید بود.

آقای پورجعفر: بخشی از سبک زندگی جوان این جامعه حاصل الگوگیری او از اساتید محترم و به طور کلی نخبگان علمی، سیاسی، هنری و ورزشی است. بخشی از این سبک‌های زندگی غیرمستقیم آموزش داده می‌شود، که بسیار در اذهان ماندگارتر است و اثربخشی

قوی‌تری دارند. بخشی دیگر بطور مستقیم آموزش داده می‌شوند که اثر بخشی کمتری دارند. مطمئن باشید اگر نخبگان کشور سبک زندگی صحیحی داشته باشند، قطعاً سبک زندگی جامعه هم بهتر می‌شود. هر فردی از استاد و دانشجو گرفته تا عموم جامعه وقتی می‌بینند در سیستم کلی کشور چنین بلاتکلیفی در ارتباط با اقدام و عمل وجود دارد، سردرگم می‌شوند. وقتی به ظاهر برنامه هست اما عملیاتی نیست و به بیانی قابلیت تحقق ندارد، عملاً باید گفت برنامه‌ای نیست. این بلاتکلیفی باعث بی‌انگیزگی افراد، تلاطم روحی روانی آنان در جریان زندگی و ... می‌شود. در نتیجه عدم انگیزه باعث کم‌رنگ شدن جایگاه کیفیت در همه زمینه‌ها می‌شود و در نهایت بی‌اخلاقی به طرق گوناگون در جامعه آشکار می‌شود. دانشجوی نمونه فرقی با دانشجویان دارای مقام در جشنواره‌های خوارزمی و فارابی و کسی که در مسابقات فرهنگی، هنری و ورزشی کسب مقام می‌کند در گستردگی و تنوع فعالیت‌هایی است که برای اعطای عنوان دانشجوی نمونه مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. دانشجوی نمونه می‌بایست از جمیع همه‌ی فعالیت‌های آموزشی، پژوهشی، فرهنگی، اجتماعی، هنری، سیاسی، ورزشی و مذهبی میانگین مطلوبی را کسب نماید. بنابراین با توجه به جو حاضر جوانان جامعه که در میانشان گرایش به سمت فردگرایی در حال باب شدن است، دانشجوی نمونه به عنوان عضوی از جامعه دانشجویی می‌تواند نقش بسزایی در پویایی غیر یک بعدی فضای دانشگاه داشته باشد.

متأسفانه جایگاه دانشجوی نمونه به خوبی معرفی نشده است. مناسب است که دفاتر محترم نهاد رهبری در دانشگاه‌ها و معاونت‌های محترم دانشگاهی تشریح ابعاد گوناگون موضوع دانشجوی نمونه را مدنظر قرار دهند و در تدوین آیین‌نامه‌های داخلی خود به آن بپردازند. بدین بهانه انگیزه جوانان را در پویایی غیر یک بعدی افزایش دهند.

به نظر خودتان چقدر موفق هستید؟

خانم محمدتقی زاده: با یاری خداوند و بهره‌مندی از نعمات گرانبهایش: سلامتی، داشتن خانواده بسیار مهربان، دوستان وفادار و بسیاری نعمت‌های دیگر، رضایتمندی از زندگی خود دارم و خود را موفق می‌دانم در عین حال از برخی اتلاف وقت‌ها و تلاش کمتر در سایر زمینه‌های علاقه‌مندیم از خودم گلابه دارم که امیدوارم با توکل و سعی بیشتر آن‌ها را مرتفع سازم.

به نظر شما دانشجوی تراز انقلاب اسلامی چه کسی است؟

خانم تقی زاده: اگر برای این بحث بخواهم ملاک قرار بدهم فرمایشات مقام معظم رهبری کامل‌ترین‌ها را معرفی می‌نماید: ملاک‌ها هم در زمینه علمی است، دانشجو وقتش را بایستی برای توسعه و ترویج علم و دانش بگذارد؛ هم در زمینه مذهبی و اعتقادی است تا جایی که در جهت تعالی اعتقاداتش تلاش داشته باشد و هم از بحث‌های فرهنگی، سیاسی و بحث‌های روز جامعه که همه با آن درگیر هستند فاصله نداشته باشد. بالاخره اگر این نسل، نسل جوان و آینده سازی معرفی می‌شوند و قرار است همان نسل انقلابی باشند که آینده جامعه‌ی اسلامی را به بهترین نحو رقم بزنند نباید از هیچکدام از این جنبه‌ها فارغ شوند. اگر قرار است ما مدلی درست از دانشجوی انقلابی را معرفی کنیم دانشجویی را انقلابی می‌دانیم که در هر سه حوزه‌ی اعتقادی، علمی و هم در زمینه‌ی بحث‌های فرهنگی و سیاسی و اجتماعی جامعه آگاهی کافی داشته باشد و دنبال آن مشارکت کافی برای رشد و سازندگی کشورش.



این موارد برای معاونت محترم پژوهشی و فناوری دانشگاه، جناب آقای دکتر یعقوب فتح الهی هم صادق است و پشتکار و تلاش و مجموعه موفق ایشان هم الگویی برای سایر مدیران ماست.

نکته مهمتر سالم کار کردن یک مدیرست که امروز شاید کمتر بتوانیم این وصف را درخصوص مدیرانمان با اطمینان عنوان نماییم. من فکر می‌کنم اگر هر کدام از ما در هر موقعیتی که هستیم اگر ورزشکار یا بازیگر هستیم اگر یک دانشجوی نمونه یا استاد هستیم و... در هر سطحی که هستیم این را بدانیم که نسبت به افراد جامعه‌مان مسئولیت داریم و الگو هستیم برای زیرمجموعه‌های خودمان، همین بهترین جامعه را برای ما رقم خواهد زد.

بارها مسئولین در جلسات و روز تجلیل اعلام نمودند که

امکان ادامه‌ی تحصیل بدون آزمون برای دانشجویان نمونه‌ی کشوری فراهم است اما متأسفانه وزارت بهداشت این مسئله را به آیین نامه‌ی استعداد درخشان منوط می‌کند که در سال ۱۳۸۹ به تصویب رسیده است و طی آن دانشجوی نمونه کشوری هم‌پراز دانشجویی دیده شده است که شاگرد اول یک کلاس بوده و باید ۹۰٪ نمره‌ی آخرین فرد قبولی را کسب کرده و در مصاحبه نیز شرکت کند اما خوشبختانه در شیوه نامه‌ی دو معاون دانشجویی بهداشت که در سال ۹۴ به امضای هر دو معاون دانشجویی بهداشت و علوم رسیده است و امکان ادامه تحصیل به مقطع بالاتر بدون آزمون اعلام شده ولی همچنان علیرغم پیگیری‌های مکرر اینجانب، در پیچ و خم نامه نگاری‌ها و کاغذ بازی‌های مرسوم گرفتار شده است.

که از همه بدتر است و متأسفانه در دانشگاه‌ها کم و بیش وجود دارند، هر چند که بسیار بسیار اندک هستند. این افراد خطر آسیمی که به وجهه دانشگاه و دانشگاهیان می‌زنند بسیار فراوان است. دانشگاه برای آنان سکوی پرتابی برای جایگاه‌های سیاسی و سمت‌های گوناگون است. تیپ سوم که عرض کردم، تأثیر بسزایی در ترویج بی‌اخلاقی علمی دارند.

خانم تقی زاده سخن آخر را شما بفرمایید؟

خانم تقی زاده: در پایان مهمترین بحث از دید بنده، بحث آقای پورجعفر در مورد منفعت طلبی با نگاه سیاسی در محیط‌های علمی است و به نظر من بزرگترین جفا به محیط مقدس علمی و دانشجویان است که با انگیزه‌های زیبا وارد این محیط می‌شوند. از فرصت استفاده کنم در کنار نقدهایی که وارد می‌دانیم، الگوی مدیریتی عالی را در کنار خودمان برای شما معرفی نمایم.

الگویی که مبرا از همه این نقدهایی هستند که شاید ما آن‌ها را وارد به مدیریت‌ها می‌دانیم که به جوانان فضای کافی را نمی‌دهند، اخلاق مداری برایشان پررنگ نیست و... به لحاظ پررنگ بودن فعالیت‌های ما در انجمن رشته‌مان و مجموعه فرهنگی دانشگاه در این سال‌ها، شناخت بیشتری از معاونت محترم فرهنگی، جناب آقای دکتر امین ناصری دارم. ویژگی‌های تحسین برانگیزی در ایشان یافتیم همچون احترام قائل شدن برای دانشجویان با لحاظ همه‌ی تفاوت‌هایی که ممکن است بین دانشجویان باشد از تفاوت‌های علمی و خطوط سیاسی گرفته تا فکری و اعتقادی و عدم تأثیر این مولفه‌ها بر قضاوت‌های ایشان. تامل، حوصله و دقت نظر ایشان بر شنیدن خواسته‌های دانشجویان و تلاش برای محقق نمودن‌شان. تشویق و ترغیب و انگیزه بخشی برای دانشجویان گروه‌های مختلف بر افزایش تلاش علمی و فرهنگی حتی برای گروه‌های کمتر شناخته شده‌ای همچون مطالعات زنان در سطح دانشگاه؛ که این مورد آخر برای بنده در عملکرد ایشان بسیار ارزشمند بود و

فکری و اعتقادی و عدم تأثیر این مولفه‌ها بر قضاوت‌های ایشان. تامل، حوصله و دقت نظر ایشان بر شنیدن خواسته‌های دانشجویان و تلاش برای محقق نمودن‌شان. تشویق و ترغیب و انگیزه بخشی برای دانشجویان گروه‌های مختلف و این موارد برای معاونت محترم پژوهشی و فناوری دانشگاه، جناب آقای دکتر یعقوب فتح الهی هم صادق است و پشتکار و تلاش و مجموعه موفق ایشان هم الگویی برای سایر مدیران ماست.

دانشجو بیشتر و شاید برای استاد کمتر باشد. چون اساتید اکثراً رسماً عضو هیئت علمی دانشگاه هستند. البته در دانشگاه ما اوضاع بهتر است. دانشجو موانع بیشتری دارد اما طبیعی است حمایت‌ها از استادی که عضو رسمی هیئت علمی دانشگاه باشد، بیشتر است. بحث تفاوت رقم‌های پرداخت در دانشگاه و بیرون از محیط دانشگاه باعث می‌شود استاد کمتر وقت بگذارد و بیرون از دانشگاه در جایی که ارزش کارش را بیشتر می‌دانند بیشتر وقت صرف کند. البته باید اعتراف کنم که برخی اساتید نیز واقعاً در دانشگاه شبانه روزی وقت می‌گذارند و اینارگرانه زندگی و وقت خود را وقف دانشگاه می‌کنند.

خانم کاشانی خطیب: اخلاق علمی یک پدیده‌ی دوسویه است و انصاف است که دانشجو حرمت استاد را همیشه رعایت کند و البته که اساتید باید به دانشجو کمک کرده و راهنمایی کند تا تمهیدات پیشرفت آنها فراهم شود.

آقای پورجعفر: سه تیپ از اساتید در دانشگاه وجود دارند. یک تیپ که تعداد آنها کم نیست، اساتیدی هستند که دانشگاه را به خروش می‌آورند و فداکارانه وقت می‌گذارند و این حقیر به هیچ وجه خود را در جایگاهی نمی‌بینم که درباره این گروه از اساتید بسیار شریف صحبتی کنم و نظری بدهم. تیپ دیگر اساتیدی که دید کمی آنها به پژوهش بر کیفیت‌گرایی می‌چربد و عملاً کیفیت را در کمیت می‌بینند. البته کمیت‌گرایی که عرض کردم در میان اساتید محترم در دو موضوع تعدد مقالات و اقتصادی قابل تفکیک است. تیپ سومی هست

به لحاظ پررنگ بودن فعالیت‌های ما در انجمن رشته‌مان و مجموعه فرهنگی دانشگاه در این سال‌ها، شناخت بیشتری از معاونت محترم فرهنگی، جناب آقای دکتر امین ناصری دارم. ویژگی‌های تحسین برانگیزی در ایشان یافتیم همچون احترام قائل شدن برای دانشجویان با لحاظ همه‌ی تفاوت‌هایی که ممکن است بین دانشجویان باشد از تفاوت‌های علمی و خطوط سیاسی گرفته تا

از نظر شما انتقادی که به نظام علمی کشور وارد می‌شود چیست؟

خانم تقی زاده: هنوز جایگاه واقعی جوانان در سیستم علمی ما بعنوان کسانی که پیشرفت یک کشور را رقم بزنند شناخته نشده شاید کلی گویی باشد ولی نقد به برخی وارد می‌شود که هنوز حاضر نیستند پست‌ها و کرسی‌ها را به جوان‌ترها واگذار کنند در محیط‌های علمی ما هنوز اینقدر مشتاق نیستیم ظرفیت‌های علمی مان را به دست جوانانمان واگذار کنند شاید اینها را یک نسل آتیه‌ساز بدانیم اما در عمل این محقق نمی‌شود به نظر من برخلاف همه‌ی توصیه‌های رهبری و همه‌ی آن چیزی که آرمان نظام است تا نسل جوان‌مان را به این سمت هدایت کند ولی در عمل این اعتماد هنوز وجود ندارد.

خانم کاشانی خطیب: مشکلاتی اعم از کمبود بودجه‌های پژوهشی و پیچیده بودن مراحل اداری و کاغذ بازی در ادارات، کمبود تجهیزات آزمایشگاهی مشکلاتی را برای امر پژوهش فراهم کرده و مسائلی همچون سرقت‌های ادبی و داده سازی و مجلات نامعتبر این قضیه را پیچیده‌تر می‌کند اما باز هم می‌توان با تلاش بیشتر و کمک گرفتن از افراد و اساتید با تجربه بر این مشکلات تا حدودی غلبه کرد.

آقای پورجعفر: اولاً تأکید کنم که نباید این گونه مقطعی به موضوع نگاه کرد و با آگاهی محدود گروهی را متهم کرد. اگر بخواهیم ریشه‌ای و صحیح به موضوع نگاه کنیم، می‌بینیم که علیرغم هدف گذاری‌ها و بیانات مقام معظم رهبری که الگو بودن کشورمان را دنبال می‌کنند، در عمل چندان در این مسیر به درستی حرکت نمی‌کنیم.

وقتی استاد دانشگاه ما می‌بایست برای کوچک‌ترین امور اداری - اقتصادی و غیرپژوهشی و غیرعلمی، پیگیر و حتی پاسخگو باشد، می‌بایست برای حداقل خواسته‌های خود در ارتباط با تجهیزات و امکانات و تسهیلات زمانی بیش از زمان لازم برای پژوهش، صرف کند و بالاخره از نظر اقتصادی چندان متناسب با تاثیرگذاری و عملکردش تأمین نمی‌شود؛ طبیعی است که پس از صرف میزان زیادی انرژی و زمان برای موارد مذکور، دیگر فرصت پژوهش و به روز بودن و تمرکز بر پژوهش را نخواهد داشت. طبیعتاً اثرات بخشی از آنچه بیان شد به دانشجویان منتقل می‌شود. دانشجو می‌گوید استاد هست ولی آن طراوت و خلاقیت و انگیزه در او نیست.

مورد دیگر حمایت مالی از پایان نامه دانشجویان است. اسما حمایت هست انجام هم می‌شود ولی در عمل پیچ و تاب‌های اداری و عدم تناسب مبالغ حمایت با وضع موجود اقتصادی، صرفاً برای گزارش‌های کمی ارگان‌ها مبنی بر تعداد افرادی که توسط ارگان مذکور (اسما) مورد حمایت قرار گرفته‌اند مناسب خواهد بود و نه دانشجویان!

تأکید می‌کنم، مقیاس اقتصادی که در برخورد با پژوهش و کار پژوهشی وجود دارد با مقیاسی که در هزینه‌های روز جامعه وجود دارد، مطابقت ندارد. طبیعی است که طلب کیفیت از سامانه‌ای که به دور از واقعیت عمل می‌کند، انتظار ناپجایی است.

این مسئله‌ای که می‌فرمایید برای استاد هست یا شامل دانشجو هم می‌شود؟
آقای پورجعفر: فرقی نمی‌کند برای

دو هفته نامه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و خبری دانشگاه تربیت مدرس

صاحب امتیاز: دفتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه تربیت مدرس
مدیر مسئول: حجت الاسلام دکتر علی فلاح رفیع
سردبیر: مرتضی فاضلی
مدیر اجرایی و ویراستار: سودابه شجاعی
دبیر تحریریه: سیامک شادکام
گرافیکست و صفحه‌آرا: سعید خیراله
مجرى طرح: موسسه فرهنگی هنری کیمیا مهر معرفت

با تشکر از روابط عمومی دانشگاه

مطالب مندرج در نشریه، فقط بیانگر دیدگاه‌های نویسندگان است.
چشمه در چکیده سازی و ویرایش مطالب، آزاد است.
استفاده از مطالب نشریه، با یاد منبع، مانعی ندارد.



ذره بین

۱۱- شاهکار قرن! معماری که تلنگر محکمی بر هنر پست مدرن می‌زنه! کتابخونه داخلش به این قشنگی ولی از بیرون که نگاه می‌کنی نماس بتنی هست؟! آقا یه خلاقیتی یه هنری به کار بگیری. به بچه‌های هنر و معماری خودمون بدید خدایش دسته گلش می‌کنن.

۱۲- مانده‌ام به کدام سو کنم رو؟ این سو بروم و یا به آن سو؟! کاش یه تابلوی دیگه هم نصب کنن. یعنی از کدام طرف بپیچیم؟
۱۳- داستان کولر؛ چون سیستم سرمایش دانشکده‌ی علوم خرابه، کل تابلستون رو اینطوری سر می‌کنیم. یعنی تو آزمایشگاه کار می‌کنیم درجه حرارت مون که به ۵۰ تا ۶۰ رسید خودمون رو می‌رسونیم جلوی کولر، دما یدفعه می‌رسه به زیر ۲۰.

یا کریم. فکر کنم به تبعیت از این شعر زیبا مسئولین قصد ساختن خانه‌ای بزرگ برای این یا کریم را دارند و این یا کریم ناظر هستن که مبدا کم کاری بشه.

۷- خانوم کوچولو پاشو بیا عروسکت را بردار بدو بدو. آخه کودک درون بسیاری از دانشجویهای تربیت مدرس هنوز بیداره می‌ترسیم شرمندت بشیم و برگشتی عروسکت نباشه.

۸- معماهای دانشگاه

۹- جعبه کمک‌های اولیه آسانسور؟!

۱۰- آب نمای دانشگاه رو مشاهده می‌کنید، در اوج خلاقیت ساخته شده، من عاشق شیرهایی که داره هستم. بیچاره داره دیگه داره می‌پوسه. داخل حوض هم که سنگاش ریخته، خواهشاً مسئولین رسیدگی کنن!؟

۱- اصلاً عاشق این گمنام بودن امور فرهنگی ام

۲- آنقدر که ماشین جلو پارک ممنوعه‌ها پارک کردین که رفتن این ماشین رو آوردن. خیالتون راحت شد؟ والا

۳- از دو حالت خارج نیست: یا دانشجویان متاهل دکترا بودن ک بچه‌شون چهار ساله شده و دیگه نیازی ب این کالسهکنداشتن و به دانشگاه اهداش کردن و یا اینکه بچمون کالسکش رو پارک کرده الان بر می‌گرده!

۴- ببخشید اینا دقیقاً جای چیه؟ بزودی در این محل چه چیزی نصب خواهد شد؟
۵- خداییش اگه دهخدا‌ی عزیز می‌دونست یه روزی قراره همنشین جعبه‌های چی توز بشه‌ها لغت نامه بیرون نمی‌داد. اه مرسی

۶- من ندیدم یا کریمی را برانی از درت

سلام لطفا آهسته حرکت کنید. اینجا پره از سوژه‌هایی که دور و برمون می‌بینیم و گاهی راحت و گاهی ناراحت از کنارشون رد میشیم. اما این دفعه از این خبرا نیست. شماها قراره سوژه‌هاتون رو برا ما بفرستید اینجا تا بلکه برسد به جایی و به کسی! دانشگاه پر از این سوژه‌هاست لطفا سوژه‌هاتون رو با ما تقسیم کنید. ارادتمندیم!

